مدیریت شهری
فصلنامه علمی پژوهشی مدیریت شهری و روستایی
شماره ۶۶. بهار ۱۴۰۱

Urban managment
No.66 Spring 2022

۴۳-۶۹

تاریخ دریافت مقاله: ۱۴۰۰/۱۲/۱۲ تاریخ پذیرش نهایی : ۱۴۰۱/۲/۱۷

ارزیابی عدالت فضایی ساختاری–توزیعی با تأکید بر نقش مدیریت شهری (مطالعه موردی: شهر ارومیه)

کرم صفری: دانشجوی دکتری شهرسازی، دانشکده معماری و هنر، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد تبریز، تبریز، ایران.
اکبر عبداله زاده طرف*: استادیار دانشکده معماری و هنر، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد تبریز، ایران.
میرسعید موسوی: استادیار دانشکده معماری و هنر، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد تبریز، ایران.
مهسا فرامرزی اصل: استادیار دانشکده معماری و هنر، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد تبریز، ایران.

چکیده
برای ارزیابی و نهادینه‌سازی عدالت بایستی مدیریت شهری توأمان به فرآیندهای تصمیم سازی و نتایج و آثار و پیامدهای توسعه توجه کند و در تلاش برای کشف ساختارها و لایه‌های زیرین ایجادکننده بی‌عدالتی و نابرابری در شهرها و بررسی نتایج توزیعی از جنبه‌های عادلانه و یا ناعادلانه بودن باشد. براین اساس، هدف اصلی مقاله حاضر، ارزیابی عدالت فضایی با تأکید بر نقش مدیریت شهری می‌باشد که براساس آن عدالت را در سایه فرآیندهای تصمیم‌سازی (عدالت ساختاری) و آثار و پیامدهای توسعه (عدالت توزیعی) را موردبررسی قرار می‌دهد؛ بنابراین، مفهوم و ابعاد عدالت و عدالت فضایی، شیوه‌های ارزیابی آن و معیارهایی که می‌توانند جهت ارزیابی آن در اسناد و سنت‌های برنامه‌ریزی نظیر طرح‌های جامع شهری و نیز در توزیع فضایی پیامدهای توسعه به کار گرفته شوند، از مباحثی هستند که در این پژوهش موردتوجه هستند. از اطلاعات و داده‌های جی‌ای اسی سرشماری ۱۳۹۵ و اطلاعات کاربری‌های برداشت‌شده توسط معاونت شهرسازی و معماری شهرداری ارومیه در سال ۱۳۹۹ برای بررسی عدالت توزیعی و گردآوری اسناد و مدارک طرح جامع برای بررسی عدالت ساختاری بهره گرفته شده است. مهم‌ترین یافته این مطالعه، تدوین چارچوبی برای ارزیابی عدالت فضایی در برنامه‌های توسعه شهری (با روش تحلیل گفتمان کیفی با تأکید بر شبکه نشانه‌شناسی فردینان دوسوسور) و توزیع فضایی آثار و پیامدهای توسعه (با استفاده از مدل‌های کمی و فضایی در GIS) و نهادینه‌سازی آن با تأکید بر نقش مدیریت شهری است. نتایج نشان داد که سند طرح جامع ارومیه درمجموع سطح بسیار پایینی و حداقلی از عدالت را مدنظر قرار داده است و این موضوع (عدالت) را از زوایای کمتری موردتوجه قرار داده است و تعبیر سند از عدالت فضایی بیشتر بر بعد کالبدی معطوف است. در رابطه با ارزیابی عدالت توزیعی باید گفت که نابرابری‌های زیادی بین مناطق و نواحی شهر ارومیه از حیث توزیع فضایی و دسترسی ساکنین به خدمات وجود دارد. درواقع پراکنش کاربری‌ها و توزیع آن‌ها عادلانه نیست و غالباً در نواحی مرکزی متمرکزشده‌اند و لذا دسترسی ساکنین به‌ویژه نواحی حاشیه‌نشین به خدمات بسیار نامناسب می‌باشد.

واژگان کلیدی: عدالت فضایی، مدیریت شهری، عدالت ساختاری، عدالت توزیعی، طرح جامع ارومیه

Evaluation of structural-distributive spatial justice with emphasis on the role of urban management (Case study: Urmia city)

Abstract
In order to institutionalize justice, urban management should pay attention to both decision-making processes (structural justice) and results and effects and consequences of development (distributive justice) and try to discover the structures and underlying layers that cause injustice and inequality in cities and examine distributional results from fair aspects. Or be unfair. Accordingly, the main purpose of this article is to evaluate spatial justice by emphasizing the role of urban management, based on which justice is examined in the light of decision-making processes (structural justice) and the effects and consequences of development (distributive justice). Therefore, the concept and dimensions of justice and spatial justice, its evaluation methods and criteria that can be used to evaluate it in planning documents and traditions such as comprehensive urban plans and spatial distribution of development consequences, are among the topics considered in this study. are. The information and data of the GEC census of 2016 and the information of the uses collected by the Deputy of Urban Planning and Architecture of Urmia Municipality in 2021 have been used to study distributive justice and to collect the documents of the comprehensive plan to study structural justice. The most important findings of this study are the development of a framework for evaluating spatial justice in urban development programs (by qualitative discourse analysis with emphasis on the semiotic network of Ferdinand Dossussor) and the spatial distribution of development effects and consequences (using quantitative and spatial models in GIS) and institutionalization. It emphasizes the role of urban management. The results showed that the document of the comprehensive plan of Urmia in general has considered a very low and minimal level of justice and has considered this issue (justice) from less angles and the interpretation of the document of spatial justice is more focused on the physical dimension. Regarding the evaluation of distributive justice, it should be said that there are many inequalities between the regions and districts of Urmia in terms of spatial distribution and residents' access to different services and uses. In fact, the distribution of land uses and their distribution is not fair and they are often concentrated in the central areas, so the access of residents, especially in the suburbs, to services is very inadequate.

Keyword: Spatial Justice, Urban Management, Structural Justice, Distributive Justice, Urmia Master Plan

* نویسنده مسؤول taraf_1981@iaut.ac.ir

[Downloaded from ijurm.imo.org.ir on 2026-06-10]

مقدمه

رشد شتابان شهرنشینی و توسعه فیزیکی شهرها در دهه‌های اخیر، موجب واقعیت‌هایی چون نابرابری اجتماعی، قطبی شدن فضایی، فقر و نمود کالبدی این معضلات چون دسترسی نابرابر به سرمایه‌های شهری شده است و شرایطی را به وجود آورد که بی‌عدالتی‌ها بیش‌ازپیش در شهرها تولید و بازتولید شدند (الوندی پور و داداش پور،۱۳۹۷: ۷۰). بااین‌حال، ساخت شهری عادلانه یکی از مهم‌ترین دغدغه‌های متفکران و ایده پردازان حوزه برنامه‌ریزی شهری از ابتدای شکل‌گیری این علم شده است (سعیدی رضوانی،۱۳۹۳: ۱۳۶). لذا، مهم‌ترین رسالت متخصصان و حرفه مندان شهری کاهش این نابرابری‌ها و از بین بردن تضاد در دسترسی به سرمایه‌های شهری برای ساکنان و گروه‌های مختلف اجتماعی است (الوندی پور و داداش پور،۱۳۹۷: ۷۰). در سال‌های اخیر کسانی نظیر جان راولز، دیوید هاروی، سوزان فاینشتاین، ادوارد سوجا، هیدر کمپل و پیتر مارکوس نظریه‌های مطرحی را در فلسفه عدالت در برنامه‌ریزی شهری صورت‌بندی کرده‌اند و به‌ویژه به تحلیل این مفهوم در عرصه شهر و در پیوند با مقوله فضا پرداخته‌اند و رویکرد عدالت فضایی مطرح شد (داداش پور و الوندی پور،۱۳۹۶: ۷). بسیاری از این اندیشه‌ها به جایگاه برنامه‌ریزی (و به‌طور اخص برنامه‌ریزی شهری) در تحقق عدالت توجه دارند و برنامه‌ریزان شهری را مجریان اصلی اجرای عدالت در شهرها می‌دانند. ساخت شهر و توسعه آن می‌تواند در چارچوب معیارهای عادلانه شکل گیرد، چنان‌که ال کین و مک لارن، «عدالت» را در کنار «آینده‌نگری»، «محیط‌زیست» و «مشارکت» به‌عنوان یکی از چهار اصل توسعه پایدار شهر پیشنهاد کرده‌اند (داداش پور و همکاران،۱۳۹۴: ۷۶). عدالت بعد فضایی دارد و می‌توان از یک نگرش فضایی به‌منظور تشخیص بی‌عدالتی در شهر استفاده کرد. درواقع، فضا یک ساختار اجتماعی است که منعکس‌کننده حقایق اجتماعی بوده و بر روابط اجتماعی تأثیرگذار می‌باشد. ازاین‌رو هم عدالت و هم بی‌عدالتی در فضا نمود می‌یابد (الوندی پور و داداش پور، ۱۳۹۷: ۷۲). به عقیده سوجا عدالت و بی‌عدالتی از طریق تولید فضایی جغرافیایی شکل‌گرفته و عدالت موضوعی جغرافیایی است (Manuel,2016:2). سوجا عنوان می‌کند عدالت فضایی تنها به معنی عدالت در تخصیص منابع نیست. بلکه عدالت فضایی بازنگری در روابط تولید است. به‌بیان‌دیگر، عدالت فضایی هم می‌تواند به‌عنوان نتیجه و هم‌روند دیده شود؛ به‌عنوان محدوده‌های جغرافیایی از الگوهای توزیعی که به‌خودی‌خود عادلانه/ ناعادلانه هستند یا به‌عنوان فرآیندهایی که این نتایج را تولید می‌کنند (Soja,2009: 2). همچنین دیکسی نیز بیان می‌کند که در عدالت فضایی تأکید به‌خودی‌خود بر فضا نیست، بلکه بر فرایندهایی است که فضا را تولید می‌کنند و درعین‌حال بر کاربرد این فضاهای تولیدشده در فرایندهای پویای اجتماعی، اقتصادی و روابط سیاسی تأکید می‌کند (دیکسی، ۱۳۹۲: ۱۲۸). ازاین‌رو، در عدالت فضایی با دو رویکرد اصلی شامل ۱- عدالت توزیعی (محصول گرا)، ۲- فرآیندهای تصمیم سازی (عدالت فرایندی و ساختاری) روبه‌رو هستیم. عدالت فضایی محصول گرا در قالب الگوهای توزیعی که به‌خودی‌خود عادلانه / ناعادلانه هستند، در حوزه‌های جغرافیایی معنا می‌یابد. عدالت فضایی فرایندی نیز به‌عنوان فرآیندهای شکل‌دهنده به فضا (اسناد و سنت‌های برنامه‌ریزی، قوانین، ضوابط و آیین‌نامه‌ها) مورد بحث قرار می‌گیرند. بااین‌وجود درزمینهٔ عدالت شهری / فضایی در پیشینه نظری جهانی مطالعات اندکی وجود دارند که به‌طور واضح مفهوم عدالت فضایی در شهر و جنبه‌های آن را موردبررسی قرار داده باشند و هنوز گفتمان عدالت فضایی دارای پیچیدگی و ابهام است. در برخی از مطالعاتی که پیش‌ازاین انجام‌شده است، به بررسی نظام فضایی عدالت در حوزه‌های جغرافیایی پرداخته شده است و به چگونگی توجه برنامه‌های توسعه شهری به مقوله عدالت در رویکرد عدالت ساختاری (فرآیند تصمیم سازی) توجهی نداشته‌اند.

شهر ارومیه به‌عنوان یک شهر متوسط اندام در طی سال‌های گذشته تحولات مختلف جمعیتی و کالبدی، اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی را در خود دیده است. توزیع نامناسب و نابرابر خدمات در شهرها به دلیل جاماندن توسعه شهر از رشد آن، در حال حاضر یکی از چالش‌های مدیریت شهری در پاسخگویی به شهروندان است. ازاین‌رو، اقدامات زیادی عمدتاً بزرگ‌مقیاس و پرهزینه با ادعای کاهش فاصله و شکاف شمال (حاشیه‌نشین) و جنوب (توسعه‌یافته) توسط مدیریت شهری انجام‌شده است، اقداماتی که سیما و فضای شهری را به شکل متفاوتی تغییر داده است. مدیریت شهری به عنوان متولی برنامه‌ریزی شهر نقش مهمی را در شکل‌گیری حال و آینده شهر دارد و یکی از وظایف مدیریت شهری و شاید مهم‌ترین آن برقراری و نهادینه‌سازی عدالت اجتماعی و ساخت شهری عادلانه باشد که برای این مهم بایستی مدیریت شهری توأمان به فرآیندهای تصمیم سازی (عدالت ساختاری) و نتایج و آثار و پیامدهای توسعه (عدالت توزیعی) توجه کند و در تلاش برای کشف ساختارها و لایه‌های زیرین ایجادکننده بی‌عدالتی و نابرابری در شهرها و بررسی نتایج توزیعی از جنبه‌های عادلانه و یا ناعادلانه بودن

مدیریت شهری
فصلنامه علمی پژوهشی
مدیریت شهری و روستایی
شماره ۶۶. بهار ۱۴۰۱
Urban managment
No.66 Spring 2022

[Downloaded from ijurm.imo.org.ir on 2026-06-10]

باشد که مقاله حاضر تلاش دارد مسائل و مشکلات طرح جامع ارومیه از نگاه عدالت ساختاری و مسائل و مشکلات توزیع خدمات و دسترسی ساکنین به آن را از نگاه عدالت توزیعی شناسایی کند و چارچوبی جامع و کامل از عدالت (ساختاری و توزیعی) در اختیار مدیریت شهری ارومیه که مجری اصلی تحقق عدالت در شهر است، قرار دهد تا بتواند با عمل آگاهانه در پیاده‌سازی و نهادینه‌سازی عدالت هم در تهیه سند طرح جامع جدید ارومیه (با آگاهی از اینکه بی‌عدالتی‌های ساختاری بیشتر در کجای سند طرح جامع تمرکزیافته‌اند) و هم در بستر توزیعی وضع موجود (با آگاهی از اینکه بی‌عدالتی‌های توزیعی بیشتر در کدام بخش و محله تمرکزیافته است)، نابرابری‌های فضایی را کاهش دهد و با ارتقای کیفیت زندگی، توسعه پایدار شهری را تضمین کند. هدف اصلی مطالعه حاضر ارزیابی عدالت فضایی در سند طرح جامع ارومیه (عدالت ساختاری) و نیز در حوزه‌های جغرافیایی (توزیعی) شهر ارومیه است؛ بنابراین، اینکه عدالت و به‌ویژه عدالت فضایی از چه ابعادی برخوردار است؟ چه معیارهایی می‌تواند جهت ارزیابی عدالت ساختاری و عدالت توزیعی به کار گرفته شود؟ ارزیابی عدالت ساختاری در برنامه‌های توسعه شهری چگونه انجام می‌پذیرد؟ توزیع خدمات و دسترسی ساکنین به آن چگونه است؟ و سؤالاتی در همین راستا، از مباحث موردتوجه در این پژوهش هستند.

پیشینه تحقیق

مطالعات قابل‌توجهی پیرامون موضوع عدالت فضایی هم در سطح بین‌المللی و هم در سطح ملی انجام‌شده است که البته تفاوت‌های زیادی با مقاله حاضر دارد. بااین‌حال با بررسی نزدیک‌ترین مطالعات انجام‌شده، خلأهای تحقیقات گذشته شناسایی‌شده و تلاش شده است که در مقاله حاضر به رفع این خلأها اقدام شود تا ارزیابی عدالت ساختاری و توزیعی در شهر ارومیه به‌صورت جامع و کامل انجام شود.

مطالعات خارجی، برای اثبات و یا رد فرضیه توزیع عادلانه خدمات از شاخص‌های سطح سرانه، شعاع خدمات‌رسانی، قابلیت دسترسی و جمعیت استفاده کردند. علاوه بر این، برخی مطالعات خارجی به سمت شاخص سازی عدالت فضایی در سه حوزه قوانین، فرآیندها و نتایج با روش ترکیبی (کمی و کیفی) رفته‌اند، موضوعی که توسط مطالعات داخلی مورد غفلت واقع شده است. در رابطه با مطالعات داخلی می‌توان گفت که بیشترین نوع پژوهش به پژوهش‌های کمی اختصاص‌یافته است و براین اساس، غالب پژوهش‌ها مبتنی بر آمارهای عددی و روش‌های کمی و البته قدیمی و تکراری چون AHP، تاپسیس، ضریب آنتروپی، ضریب تغییرات، ویکور و... بهره گرفته‌شده است. آنچه دراین‌بین فراوان است، بی‌توجهی پژوهشگران به استفاده از پژوهش‌های کیفی و ترکیبی در مطالعات عدالت فضایی است. حال‌آنکه پژوهش‌های کیفی و ترکیبی امروزه در دنیای علمی توجه بسیاری را به خود جلب نموده و در حوزه‌ای با خصوصیات حوزه عدالت فضایی انجام پژوهش‌های کیفی و ترکیبی یکی از دغدغه‌های اصلی محسوب می‌شود تا از این طریق به توسعه مفاهیم، معیارها و شاخص‌های مؤثر در عدالت فضایی به‌ویژه در بخش فرآیندهای تصمیم سازی و قوانین و مقررات دست یابند. درواقع، مطالعات داخلی بیش‌تر از منظر عدالت توزیعی، به سنجش عدالت پرداخته‌اند و از نگاه ساختاری به عدالت (در قالب اسناد برنامه‌ریزی، قوانین و ضوابط شهرسازی)، چشم پوشیده‌اند. همچنین غالب مطالعات، بر بعد خاصی از نظریه‌های برنامه‌ریزی شهری عدالت محور تأکید داشته و در اغلب موارد، از بیان همه‌جانبه و نظام‌مند آن، ناتوان بوده‌اند. براین اساس و به‌منظور رفع خلأهای تحقیقات انجام‌شده در حوزه عدالت فضایی و نیز نهادینه‌سازی عدالت برای مدیریت شهری، در وهله اول به دنبال چیستی مفهوم عدالت در قالب سنخ شناسی مفهومی نظریه‌های عدالت محور (در قالب گونه شناسی فرا نظری آلمندینگر) اقدام می‌شود و بر اساس آن، اصول و معیارهای عدالت فضایی در هر دو ساحت کیفی (ساختاری) و کمی (توزیعی) و بر اساس مدل‌های جدید به‌عنوان شالوده و زیربنای مقاله حاضر مشخص می‌شوند. در وهله دوم، سند طرح جامع ارومیه به لحاظ چگونگی توجه به مقوله عدالت با تکنیک تحلیل گفتمان با تأکید بر نشانه‌شناسی دوسوسور که پیش‌ازاین تجربه نشده بود، موردبررسی قرار می‌گیرد (عدالت ساختاری). در ادامه به بررسی عدالت در توزیع فضایی خدمات و دسترسی ساکنان به خدمات در مقیاس‌های مختلف عملکردی و درنهایت به رتبه‌بندی نواحی به لحاظ میزان برخورداری از خدمات بر اساس مدل جدید ماباک اقدام می‌شود.

مدیریت شهری
فصلنامه علمی پژوهشی
مدیریت شهری و روستایی
شماره ۶۶. بهار ۱۴۰۱
Urban managment
No.66 Spring 2022

[Downloaded from ijurm.imo.org.ir on 2026-06-10]

جدول ۱. پیشینه پژوهش‌های داخلی و خارجی انجام‌شده در رابطه با عدالت فضایی

پژوهشگر / سال	اهداف پژوهش	روش	نتایج و یافته‌ها
مطالعات خارجی			
آچمانی و دیگران / ۲۰۲۰	ارزیابی عدالت فضایی در یک پروژه توسعه شهری	استفاده از چارچوب تحلیل و توسعه نهادی IAD (تحلیل منطقی)	آنان به تعریف یک چارچوب مفهومی برای تحلیل عدالت فضایی مبتنی بر یک مدل سه‌بعدی شامل قوانین (برابری دسترسی به فرصت‌ها برای همه)، فرآیند (تصمیم سازان و برنامه‌ریزان) و نتایج (دسترسی به منابع و توزیع آن‌ها در فضا) پرداخته‌اند. درنهایت شاخص‌های اختلاط عملکردی، تنوع اجتماعی، دسترسی به امکانات و خدمات عمومی و توزیع مسکن قابل استطاعت را در هر سه بخش قوانین، فرایند و نتایج تعریف و برای ارزیابی عدالت فضایی در پروژه‌های توسعه شهری پیشنهاد می‌کند.
بزرا و دیگران / ۲۰۲۰	بررسی توزیع فضایی زیرساخت‌های بهداشت و درمان در کشور برزیل	استفاده از مدل تحلیل عاملی برای رتبه‌بندی ایالت‌های برزیل و استفاده از مدل موران برای چگونگی پراکنش خدمات درمانی	یافته‌های مقاله نشان می‌دهد که دسترسی به خدمات بهداشتی درمانی در سراسر برزیل نابرابر است. ایالت‌های منطقه شمالی و بخشی از مناطق شمال شرقی و غرب در مقایسه با سایر ایالت‌ها از سطح زیرساخت‌های بهداشتی پایینی برخوردار است.
مایود و همکاران / ۲۰۱۹	ارائه چارچوبی در سطح منطقه‌ای برای سنجش و ارزیابی عدالت در دستیابی به مراکز بهداشتی و درمانی در سه شهر از کشور کانادا	استفاده از تکنیک‌های یادگیری ماشین به همراه ضریب جینی و داده‌های متن باز حمل‌ونقل عمومی کشور کانادا	از بین سه شهر ونکوور، پرت لند و سیاتل، شهر پرت لند بیشترین میزان نابرابری در دسترسی‌پذیری به کلینیک‌ها و بیمارستان‌ها را دارا بوده به‌طوری‌که حدود ۷۵ درصد از سالمندان این شهر فاقد دسترسی‌پذیری مناسب و بیش از ۵۰ درصد آن‌ها فاقد دسترسی مناسب به کلینیک‌های بهداشتی می‌باشند. همچنین در هر ۳ شهر موردبررسی، افراد کم‌درآمد از قابلیت دستیابی کمتری نسبت به افراد پردرآمد برخوردار بوده‌اند.
لاروسا و همکاران / ۲۰۱۸	ارائه چارچوب برنامه‌ریزی فضاهای سبز شهری جهت لحاظ کردن نیازها و تمایلات دسترسی‌پذیری گروه‌های اجتماعی مختلف	استفاده از روش‌های مبتنی بر GIS به همراه داده‌های اجتماعی-اقتصادی	وجود نابرابری میان گروه‌های اجتماعی همچون کودکان و سالمندان در دو شهر ناگویا ژاپن و همچنین کاتانیا ایتالیا در دستیابی به انواع مختلف فضاهای سبز شهری.
المحمد و همکاران / ۲۰۱۸	سنجش و ارزیابی سطوح دسترسی‌پذیری به فضای سبز شهری توسط افراد با موقعیت‌های اجتماع-اقتصادی مختلف در شهر حلب سوریه قبل از جنگ داخلی	استفاده از تکنیک نزدیک‌ترین همسایگی و همچنین تحلیل شبکه به همراه تحلیل آنالیز واریانس یک‌طرفه	نتایج بیانگر توزیع خوشه‌ای فضاهای سبز در شهر حلب سوریه و همچنین برخورداری بیشتر نواحی مرکزی و غربی شهر در برخورداری از این فضاها است. درصورتی‌که در بیشتر نواحی حاشیه‌ای این شهر که افراد کم‌درآمد ساکن شده‌اند، دارای دسترسی‌پذیری بسیار کمتری می‌باشند. به‌طورکلی نواحی دارای افراد مرفه، دسترسی‌پذیری بهتری به فضاهای سبز شهری دارا می‌باشند.

مدیریت شهری
فصلنامه علمی پژوهشی
مدیریت شهری و روستایی
شماره ۶۶. بهار ۱۴۰۱
Urban managment
No.66 Spring 2022

[Downloaded from ijurm.imo.org.ir on 2026-06-10]

پژوهشگر / سال	اهداف پژوهش	روش	نتایج و یافته‌ها
یوآن و همکاران / ۲۰۱۷	بررسی عدالت فضایی در تخصیص و چیدمان پارک‌های شهری به‌منظور دستیابی به نیازهای افراد آسیب‌پذیر در شهر چنجینگ چین	استفاده از تحلیل‌های فضایی به همراه تحلیل‌های آماری از تقاضاهای مؤثر افراد آسیب‌پذیر	مطابق یافته‌های این پژوهش، توزیع پارک‌های این شهر مطابق با نیاز شهروندان آن نبوده و بنابراین دارای توزیع ناعادلانه‌ای می‌باشد، علی‌الخصوص در نواحی تاریخی و مرکزی شهر که این اختلاف شدیدتر می‌گردد.
وبر و دیگران / ۲۰۱۶	تجزیه‌وتحلیل فضایی مناطق شهری: دسترسی شهری و دسترسی به خدمات	استفاده از تحلیل‌های فضایی در GIS	استفاده از سه شاخص تراکم جمعیت، دسترسی به خدمات و معیارهای الگوی رفت‌وآمد برای تحلیل دسترسی موردبررسی قرار گرفت. درنهایت به تعیین نحوه رویکرد تحلیل برای برنامه‌ریزان استراتژیک کار در سطح شهرداری یا منطقه‌ای پرداختند.
دای / ۲۰۱۶	مقایسه وضعیت برابری و عدالت فضایی در خصوص برخورداری شهروندان هیوگو بین سال‌های ۲۰۰۸ الی ۲۰۱۴	استفاده از روش ضریب تغییرات برای محاسبه و مقایسه داده‌های سه شاخص خدمات آموزشی پایه، حمایت‌های اجتماعی و خدمات بهداشتی و درمانی	نتایج بررسی وی نشان داد که در میان خدمات فوق، خدمات بهداشتی و درمانی به‌صورت نامتعادل و کاملاً نابرابر توزیع شده است. همچنین توسعه خدمات بهداشتی به گلوگاه برابری خدمات عمومی شهر تبدیل‌شده است. ایشان در مقاله خود از مطالعه تطبیقی بررسی جمعیت و سرانه کاربری‌هایی استفاده کرده است که در دسته‌بندی فوق جای گرفته‌اند.
ریس و همکاران / ۲۰۱۴	سنجش دسترسی‌پذیری کودکان به پارک‌های شهری بر اساس فاصله پیاده‌روی	تخمین رفتار سفر با استفاده از رگرسیون‌های چندمتغیره	بر اساس نتایج، کودکان مرفه و ساکن در شهرک‌های حومه‌ای شهر آتلانتا کانادا، دارای بهترین سطوح از دسترسی‌پذیری به پارک‌های شهری بوده و همچنین نابرابری در تخصیص این پارک‌ها در نقاط مختلف شهر به اثبات رسید.
پاری و دیگران / ۲۰۱۲	تجزیه‌وتحلیل فضایی در ارائه امکانات شهری و کمبود آن‌ها در شهر سرینگر ایالت جامو و کشمیر هند	استفاده از داده‌های ثانویه و روش موران فضایی و نرم‌افزار GIS	نتایج تجزیه‌وتحلیل نشان می‌دهد که نابرابری در ارائه دسترسی به این امکانات در بخش‌های مختلف در شهر سرینگر وجود دارد. دلایل توزیع ناهموار امکانات رفاهی شهری، رشد شهرنشینی در سه دهه گذشته و برنامه‌ریزی مدیریت ضعیف است. این مقاله نشان می‌دهد که سازمان برنامه‌ریزی باید با گسترش افقی شهری هماهنگ شود تا توزیع عادلانه امکانات شهری در شهر برقرار شود.
مطالعات داخلی			
احمدی و شمسی‌پور / ۱۳۹۹	چگونگی توزیع خدمات عمومی با تأکید بر عدالت اجتماعی در شهر بجنورد	استفاده از روش‌های تحلیل خوشه‌ای، تکنیک ویکور فازی و آزمون‌های آمار استنباطی	شهر بجنورد با کمبود شدید مراکز خدمات عمومی روبه‌روست. همچنین این کمبود به‌صورت ناعادلانه در محله‌های شهری مشاهده می‌شود و شاهد بروز نابرابری و بی‌عدالتی میان محله‌ها هستیم. این نابرابری‌ها به‌صورت مرکز پیرامونی است و هرچه از بخش مرکزی شهر به سمت حاشیه‌ها حرکت می‌کنیم، به محرومیت محله‌ها افزوده می‌شود
کوشانه و دیگران / ۱۳۹۸	بررسی وضعیت پراکنش فضایی کاربری‌های خدمات عمومی و ارائه راهکارهایی جهت کاهش این نابرابری در شهر تبریز	استفاده از روش شاخص ویلیامسون، تاپسیس، آنتروپی شانون و نرم‌افزارهای SPSS و GIS	نتایج نشان داد که حدود ۶۰ درصد از مناطق شهری شهر تبریز به لحاظ توزیع خدمات شهری در سطح نامتعادل قرار دارند. همچنین تمامی مناطق شهر تبریز به نسبت یکسان و متعادل از امکانات و خدمات شهری برخوردار نگردیده و توزیع خدمات بر اساس پراکنش جمعیت نبوده است.

[Downloaded from ijurm.imo.org.ir on 2026-06-10]

پژوهشگر / سال	اهداف پژوهش	روش	نتایج و یافته‌ها
زمانی و دیگران / ۱۳۹۷	بررسی توزیع خدمات و کاربری‌ها در بین مناطق شهر مرند و رتبه‌بندی این مناطق	استفاده از مدل‌های ویکور، ساو، کپ لند و اسپیرمن	نتایج حاصل از پژوهش نشان می‌دهد توزیع خدمات و کاربری‌ها در مناطق شهر مرند به‌صورت متعادل توزیع نشده است و نتایج هر سه مدل ویکور، ساو و مدل کپ لند نشان می‌دهد مناطق ۱ و ۳ در برخورداری از خدمات رتبه‌های اول و دوم را دارا می‌باشند و منطقه ۵ در رتبه آخر قرار دارد و با مقایسه این نتایج با نتایج مدل اسپیرمن مشخص می‌شود ارتباطی بین پراکنش جمعیت و توزیع سرانه‌ها در مناطق شهر مرند وجود ندارد
امانپور و دیگران / ۱۳۹۶	بررسی و تحلیل پراکنش جمعیت و توزیع خدمات در کلان‌شهر اهواز	استفاده از مدل‌های ویکور، الکتر، تاپسیس و آزمون ضریب همبستگی پیرسون	تجزیه‌وتحلیل داده‌های پژوهش نشان می‌دهد که مناطق ۳ و ۴ در رتبه اول برخورداری، مناطق ۱ و ۲ نیمه برخوردار و مناطق ۶، ۷ و ۸ رتبه آخر را در بین مناطق دیگر ازلحاظ برخورداری از شاخص‌های خدمات شهری به خود اختصاص داده‌اند. همچنین، ارتباط ضعیفی بین پراکنش جمعیت و توزیع خدمات وجود دارد.
پریزادی و دیگران / ۱۳۹۵	بررسی وضعیت توزیع خدمات در سطح محلات شهر مریوان بر اساس جمعیت، مساحت و سرانه	استفاده از مدل‌های ویکور و ضریب همبستگی پیرسون	نتایج نشان می‌دهد خدمات شهری به‌طور عادلانه در سطح محلات شهر مریوان توزیع نشده است؛ به‌طوری‌که محله ۱۱ در بهترین وضعیت و محله ۷ در پایین‌ترین وضعیت قرار دارند. همچنین بیانگر نوعی بی‌نظمی در پراکنش فضایی کاربری‌ها به‌ویژه در رابطه با جمعیت می‌باشد.
حیدری / ۱۳۹۵	بررسی و تحلیل وضع موجود توزیع فضایی کاربری‌های اساسی خدمات شهری نواحی شش‌گانهٔ شهر بوشهر	استفاده از مدل‌های امتیاز استانداردشده، ضریب مکانی و ویکور	نتایج نهایی پژوهش نشان می‌دهد که خدمات عمومی به‌طور عادلانه در بین نواحی شهر بوشهر توزیع نشده است و در بین ۶ ناحیه، ناحیهٔ ۲ با کمترین جمعیت ساکن نسبت به سایر نواحی، از بیشترین خدمات شهری برخوردار می‌باشد. ازجمله مهم‌ترین دلایل تمرکز خدمات در ناحیهٔ ۲ را می‌توان منطبق بودن بخشی از این ناحیه با بخش مرکزی تجاری شهر دانست.
مبارکی و دیگران / ۱۳۹۴	بررسی نحوه توزیع فضایی خدمات عمومی در نواحی هشت‌گانه شهر رشت و ارتباط آن با پراکنش جمعیت	استفاده از مدل تاپسیس و تحلیل خوشه‌ای و آزمون ضریب همبستگی اسپیرمن	میزان برخورداری نواحی مختلف از خدمات شهری به‌صورت یکسان نبوده و نواحی کم‌جمعیت در مقایسه با نواحی پرجمعیت به خدمات بیشتری در داخل محدوده خود دسترسی دارند که این نشان‌دهنده ارتباط ضعیف بین توزیع خدمات و جمعیت در میان نواحی می‌باشد؛ بنابراین درزمینهٔ توزیع خدمات عمومی در شهر رشت و در سطح نواحی آن، عدالت دسترسی رعایت نشده است
داداش پور و دیگران /۱۳۹۴	تبیین چارچوب مفهومی عدالت فضایی در برنامه‌ریزی شهری با محوریت مفهوم عدالت در مکتب اسلام	روش‌شناسی مبتنی بر تحلیل منطقی (ارزیابی و مقایسه مبانی استدلالی آموزه‌های فلسفی و سیاسی)	مفهوم عدالت را از دیدگاه اندیشمندان غربی، جهان اسلام، مکتب‌های مختلف بشری و دیدگاه‌های سیاسی، اجتماعی و اقتصادی بررسی کرده‌اند. در ادامه، شش معیار برای عدالت فضایی استخراج نموده‌اند که شامل برابری فرصت‌ها، آزادی، تفاوت، نیاز، استحقاق و بهره‌مندی از منفعت عمومی می‌باشند.
داداش پور و دیگران / ۱۳۹۴	جایگاه عدالت فضایی در نظام برنامه‌ریزی شهری ایران	تحلیل محتوای کیفی	نویسندگان به‌صورت‌بندی‌های مفهومی عدالت فضایی در نظام برنامه‌ریزی شهری کشور اشاره کرده‌اند و بیان می‌کنند که برای رسیدن به برنامه‌ریزی شهری عدالت محور باید از سیاست‌های کالبد محور و فن‌سالارانه فاصله گرفته و به سمت سیاست‌های همه‌جانبه و مشارکت جویانه حرکت کرد و در آن به مدیریت محلی قدرت داد و درنهایت مطابق اصل آزادی، به بعد سیاسی شهر توجه بیشتر کرد تا ساکنین شهر حقوق خود را از طرح‌های توسعه شهری (بی‌عدالتی‌ها و نابرابری‌های آشکار) مطالبه نمایند

مدیریت شهری
فصلنامه علمی پژوهشی
مدیریت شهری و روستایی
شماره ۶۶. بهار ۱۴۰۱
Urban managment
No.66 Spring 2022

[Downloaded from ijurm.imo.org.ir on 2026-06-10]

پژوهشگر / سال	اهداف پژوهش	روش	نتایج و یافته‌ها
سعیدی رضوانی / ۱۳۹۳	مطالعه اندیشه‌های معطوف به عدالت در نظریه‌های شهرسازی و تشریح عدالت در منابع اسلامی	تحلیل محتوای کیفی	این مقاله، گونه شناسی‌ای از مهم‌ترین آرای متفکران حوزه شهر عدالت محور در میان نظریه‌پردازان برنامه‌ریزی در قالب سه گونه نظریه‌های راست‌گرا، چپ‌گرا و پسامدرن ارائه کرده است. همچنین، معیارهای «رفاه مادی»، «تنوع قومی، نژادی، مذهبی»، «حفظ محیط‌زیست»، «مشارکت» و «همه‌شمولی» به‌عنوان مهم‌ترین معیارهای مشترک و معیارهای «سرپرستی پرهیزگاران»، «اعتدال در ارتباط با خدا» و «حفظ کرامت انسانی» از معیارهای مختص آموزه‌های اسلامی می‌دانند.
سعیدی رضوانی و نوریان / ۱۳۹۳	شهرسازی عدالت محور؛ رهیافتی پیشرو در برنامه‌ریزی شهری	تحلیل محتوای متون و گونه شناسی نظریه‌ها	این مقاله به بررسی نظریه‌های برنامه‌ریزی معطوف به عدالت شامل دیدگاه‌های هاروی، برنامه‌ریزی ارتباطی، برنامه‌ریزی همگانی، برنامه‌ریزی گفتمانی و نظریه شهر عدالت محور پرداخته است.
نوریان و سعیدی رضوانی / ۱۳۹۱	گونه شناسی آرای بنیادین معطوف به عدالت در شهر	مطالعه اسنادی و تحلیل محتوای کیفی	بر این اساس گونه شناسی انجام‌شده، نظریه‌های روسو، بنتام، گولت و هابرماس، در گونه اندیشه‌های متکی بر اصول قراردادی، نظریه‌های افلاطون، ارسطو، هابز، کانت، رالز، سن و نوزبام در گونه اندیشه‌های متکی بر اصول مفروض و نظریه‌های مارکس و انگلس در گونه اندیشه‌های متکی بر اصول ایدئولوژیک جای گرفتند.

مبانی نظری

نظریه‌های برنامه‌ریزی عدالت محور

واژه عدالت یکی از مناقشه‌انگیزترین مفاهیم در حوزه علوم انسانی است و در حوزه‌های گوناگون حقوق، اخلاق، الهیات، جامعه‌شناسی و علوم سیاسی معانی مختلفی پیدا می‌کند. از سال‌ها پیش و از زمان افلاطون تا دوران معاصر، همواره اندیشمندانی به این مفهوم فلسفی پرداخته‌اند و گاهی آن را در قالب یک امر مثالی و ماورایی و گاهی نیز در شکل موضوعی ملموس و قابل اندازه‌گیری تفسیر کرده‌اند (داداش پور و الوندی پور،۱۳۹۶: ۶-۷). با توجه به سیر تحول تاریخی مبانی نظری مرتبط با عدالت، تعاریف عدالت به هشت دسته کلی تقسیم شده است که عبارتند از: برابری برای گروه‌های برابر، مساوات و حذف طبقات، تأمین حداقل‌ها برای همه، برابری در اجرای قانون، رعایت حق به شهر، حداکثر کردن سود، حمایت از گروه‌های محروم، برابری فرصت‌ها و آزادی انتخاب (عزیزی و شکوهی،۱۳۹۴: ۱۳۱). مهم‌ترین اقدام در اجرای عدالت و تحقق آن، بررسی چیستی مفهوم عدالت است. شناخت مفهومی عدالت نیز مقدمه ورود به بحث معیارهای عدالت است تا بر اساس آن بتوان در گام عملیاتی در پژوهش‌های کاربردی به برنامه‌ریزی و اجرای عدالت پرداخت (تراب زاده جهرمی و سجادیه،۱۳۹۰: ۶۰-۶۱). ازاین‌رو، سنخ شناسی مفهومی نظریه‌ها نقش مهمی در کشف دقیق چیستی عدالت ایفا می‌کند و برای این منظور، از گونه شناسی فیلیپ آلمندینگر استفاده شده است که با بررسی نظریه‌های عدالت محور می‌توان آن‌ها را به چهار دسته نظریه‌های چارچوب ساز، نظریه‌های اجتماعی، نظریه‌های برون‌زا و نظریه‌های درون‌زای عدالت دسته‌بندی نمود تا براساس آن به معیارهایی که یک فرایند (ساختار) و محصول (توزیع) را عادلانه می‌داند، دست‌یافت. در ادامه خلاصه نظریه‌های عدالت محور که اساس چارچوب نظری مقاله حاضر را تشکیل می‌دهد ارائه می‌شود.

- سه مکتب عمده فلسفه سیاسی لیبرالیسم، سوسیالیسم و اسلام در دسته نظریه‌های چارچوب ساز قرار می‌گیرند که ازاین‌رو، آرمان سیاسی لیبرالیسم، آزادی است و درحالی‌که در اسلام، عدل بر مبنای حق تعریف شده و از سوی اندیشمندان وابسته به مکتب فکری سوسیالیستی، حول دو مفهوم نیاز و برابری می‌چرخد (داداش پور و دیگران،۱۳۹۶: ۱۶).
- نظریه‌های برون‌زای عدالت محور به دودسته اندیشمندان غربی و شرقی تقسیم‌بندی گردید که آرا و اندیشه‌های متفکران غربی متأخر (شامل پوپر،

[Downloaded from ijurm.imo.org.ir on 2026-06-10]

راولـز، هابرمـاس و لوفـور) عمومـاً به‌صورت‌بندی‌هایـی از نظریـه عدالـت دسـت‌یافته‌اند کـه مبتنـی بـر متغیرهـای کانونـی‌ای نظیـر آزادی، برابـری، حقـوق انسـانی و مشـارکت بـوده اسـت. برخـی از معیارهـای موردنظر اندیشـمندان شـرقی در تعریـف توزیـع عادلانـه عبارت‌انـد از: آزادی، ارتقـاء وضعیـت فقـرا، رفـع تبعیـض، رعایـت اسـتحقاق، برابـری طبقاتـی، نفـی اسـتثمار، نفـی تضـاد و تبعیـض، برابـری، برابـری، اخـلاق، قانـون، انصـاف (دادگـری)، روشـنگری، دموکراسـی، وحـدت، تضامـن بیـن افـراد و اجتماعـات، همیـاری، تـوازن اجتماعـی، احتیـاج، برابـری قابلیت‌هـا، افزایـش گزینه‌هـای انتخـاب، کاهـش فاصلـه فقیـر و غنـی، کمـک دولـت بـه فقـرا، اجـرای قانـون، نبـود فسـاد، فرصـت رشـد و پیشـرفت برابـر و حقـوق مدنـی.

- نظریه‌هـای اجتماعـی برآمـده از جامعه‌شناسـی هسـتند و هدفشـان فراهـم کـردن درکـی کلـی از ماهیـت جامعـه اسـت. ایـن نظریه‌هـا از دیـدگاه آلمندینگـر بـه دو دسـته کلـی تقسـیم می‌شـوند (آلمندینگـر،۱۳۸۴: ۶۹): نخسـت، نظریه‌هـای سـاختارگرای بـالا بـه پاییـن (ماننـد نظریـه مردم‌سـالارانه بـرای شـرایط ناعادلانـه ایریـس ماریـون یانـگ) کـه بـر شـناخت نیروهـای ساختمندسـازی کـه بـر فـرد تأثیـر می‌گذارنـد، تأکیـد دارنـد. دسـته دوم، دیدگاه‌هـای پاییـن بـه بـالا و تفسـیرگرا هسـتند کـه قـدرت انتخـاب و اندیشـه فـرد (مثـل حـق حضـور در شـهر لوفـور و شـهر و عدالـت اجتماعـی دیویـد هـاروی) را مبنـا قـرار می‌دهنـد. ایـن دسـته از نظریه‌هـا بـه مسـئله شـهر به‌عنـوان یـک مفهـوم عـام پرداختـه و تـلاش کرده‌انـد به‌صـورت کلـی، شـرایط و زمینه‌هـای تحقـق عدالـت در شـهر را بررسـی کننـد.
- نظریه‌هـای درون‌زای عدالـت محـور، نـوع خاصـی از نظریه‌پـردازی مطـرح می‌شـود کـه به‌طـور مشـخص بـه امـر برنامه‌ریـزی می‌پـردازد (آلمندینگـر،۱۳۸۴: ۷۰) و بـه ارائـه رهنمودهـای قابل‌اسـتفاده‌ای در فراینـد برنامه‌ریـزی شـهری کاربـردی، توجـه دارنـد و اصـول و معیارهایـی بـرای اسـتفاده در تهیـه طرح‌هـای شـهری، ارزیابـی شـرایط شـهرها از لحـاظ تطابـق بـا معیارهـای عدالـت ارائـه می‌دهنـد (داداش پـور و الونـدی پـور،۱۳۹۶: ۲۱). در ایـن دسـته، نظریه‌هـای برنامه‌ریـزی ارتباطـی (جودیـش اینـز، پتسـی هیلـی، لئونـی سـاندرکاک، اوایـل دهـه ۱۹۹۰ تاکنـون)، برنامه‌ریـزی گفتمانـی (فرانـک فیشـر)، شـهر عدالـت محـور (سـوزان فاینشـتاین) در راسـتای سـنخ شناسـی لیبـرال از مفهـوم عدالـت در برنامه‌ریـزی شـهری گسـترش‌یافته‌اند. همچنیـن نظریه‌هـای برنامه‌ریـزی همگانـی (پیتـر مارکـوس) و عدالـت فضایـی (دیکسـی) نیـز خـط سـیر اندیشـه سوسـیال را در برنامه‌ریـزی شـهری بسـط داده‌انـد. به‌طـور خلاصـه می‌تـوان گفـت هسـته اصلـی نظریـه برنامه‌ریـزی ارتباطـی ایـن اسـت کـه هرچـه نقـش گروه‌هـای محـروم در تصمیم‌هـای سیاسـی قوی‌تـر باشـد بـاز توزیـع نتایـج بهتـر خواهـد بـود و تأکیـد ایـن نـوع از برنامه‌ریـزی بیشـتر بـر فرآینـد اسـت تـا محتـوا. در نظریـه برنامه‌ریـزی گفتمانـی، تنهـا مفهومـی از عدالـت اجتماعـی موفـق اسـت کـه بـرای مشـاوره بیـن افـرادی کـه توافـق کرده‌انـد در کنـار هـم زندگـی کننـد، قابل‌اسـتفاده باشـد. اصـول نظریـه شـهر عدالـت محـور عبارت‌انـد از: برابـری، مردم‌سـالاری و تنـوع. در برنامه‌ریـزی همگانـی نقـش افـرادی کـه در فرایندهـای قـدرت کنـار گذاشته‌شـده‌اند، موردتوجـه قـرار می‌گیـرد. در نظریـه عدالـت فضایـی نیـز هـر تلاشـی بـرای شناسـایی کـردن نـا عدالتی‌هـا، بایـد در جهـت درونـی سـازی ارتباطـات اجتماعـی، فضایـی و نقـش حیاتـی کـه ایـن روابـط در توزیـع، تولیـد و بازتولیـد فضـا بـازی می‌کنـد، باشـد.

صورت‌بندی‌های عدالت فضایی

فضـا در طـی دهه‌هـای اخیـر بـه یکـی از مقـولات اساسـی در تحلیل‌هـای شـهری تبدیل‌شـده اسـت. به‌طوری‌کـه در اثـر فراینـد شهرنشـینی و جهانی‌شـدن، مفاهیـم فضـا زمـان به‌عنـوان یـک اندیشـه اجتماعـی دچـار تحـولات یـاد می‌کننـد کـه علـوم اجتماعـی و مسـائل فضـا را بـه «چرخـش فضایی» گسـترده‌ای شـده اسـت. اندیشـمندان از ایـن تحولات به‌عنـوان ویـژه از دهـه ۱۹۸۰ تحـت تأثیـر قـرار داده و توجـه بسـیاری را بـه خـود جلـب کـرده اسـت. به‌طوری‌کـه ایـن تغییـرات و توجهـات از مرزهـای دانـش جغرافیـا فراتـر رفتـه اسـت. ارائـه نظـرات تـازه و متفـاوت درزمینـهٔ فضـا به‌ویـژه در آثـار آنـری لـه فـور در ایـن چرخـش و شـکل‌گیری انگاشـتی نـو از فضـا بسـیار تأثیرگـذار بـوده اسـت. لـه فـور نظریـه‌اش دربـاره فضـا را بـا یـک مفهـوم رابطـه‌ای از فضـا و زمـان آغـاز می‌کنـد. وی ایـن دو را به‌سـان فرآورده‌هـای اجتماعـی می‌بینـد کـه هـم پیامـد تولیـد جامعه‌انـد و هـم پیش‌شـرط تولیـد جامعـه (اشـمید،۱۳۹۴: ۱۵۴). به‌بیان‌دیگـر فضـا و کنـش گـران اجتماعـی از نظـر لـه فـور دارای یـک رابطـه دیالکتیکـی هسـتند کـه در ایـن رابطـه فضـا نه‌تنهـا به‌واسـطه روابـط اجتماعـی تـداوم می‌یابـد بلکـه روابـط اجتماعـی را تولیـد می‌کنـد و خـود نیـز به‌واسـطه روابـط اجتماعـی تولیـد می‌شـود. لـه فـور مفهـوم فضـا را در کانـون نظریه‌هـای اجتماعـی و سیاسـی معاصـر قـرار داده اسـت. نکتـه اصلـی نظریـه لـه فـور ایـن اسـت کـه تولیـد فضـا را می‌تـوان بـه سـه بعـد از لحـاظ دیالکتیکـی درهم‌تنیـده، تقسـیم کـرد. به‌بیان‌دیگـر تولیـد فضـا را بـا یـک

مدیریت شهری
فصلنامه علمی پژوهشی
مدیریت شهری و روستایی
شماره ۶۶. بهار ۱۴۰۱
Urban managment
No.66 Spring 2022

[Downloaded from ijurm.imo.org.ir on 2026-06-10]

چارچوب معرفت‌شناسانه به نام «دسته فضایی» شامل بازنمودهای فضا (فضای تصور شده)، فضای بازنمودی (فضای زیسته) و عمل‌های فضایی (فضای درک شده) تبیین می‌کند (مریفیلد،۱۳۹۴: ۲۱۸).

سوجا در تحلیل‌هایش درزمینهٔ تولید و بازتولید فضا و عدالت فضایی از نظرات له فور الهام گرفته است. سوجا در یک مصاحبه در سال ۲۰۱۱ عنوان می‌کند که در نوشته‌های له فور یک دیدگاه فضایی در سال ۱۹۶۸ وجود داشت که نقطه کلیدی شروع کار من درزمینهٔ عدالت فضایی بوده است (Soja et al,2011). براین اساس تحلیل سوجا از فضا و عدالت فضایی نیز بر مفهومی از دیالکتیک اجتماعی فضایی استوار است. بدین معنی که فضا نه‌تنها نتیجه کنش و روابط اجتماعی است بلکه نیروهای فضایی (شهری) نیز خود بر فرآیندها و روابط اجتماعی تأثیرگذارند و آن‌ها را تولید و یا تغییر می‌دهند. سوجا در تحلیلش از فضا، آن را در کانون زندگی اجتماعی قرار می‌دهد (Soja,2011: 100). از نظر سوجا عدالت فضایی به‌عنوان جانشین یا جایگزینی برای عدالت اجتماعی، عدالت اقتصادی یا شکل‌های دیگر عدالت به شمار نمی‌رود، بلکه روشی برای نگریستن به عدالت از دیدگاه فضایی انتقادی است. از این نظر، همیشه یک بعد فضایی مربوط به عدالت وجود دارد. به‌علاوه سوجا عنوان می‌کند که عدالت یا نا عدالتی فضایی را می‌توان هم به‌عنوان یک پیامد (نتیجه) و هم به‌عنوان یک فرآیند مشاهده کرد. همچنان که الگوهای جغرافیایی یا توزیعی و نیز فرآیندهای ایجادکننده این پیامدها (نتایج) نیز، به‌خودی‌خود عادلانه یا غیرعادلانه هستند. کشف نمونه‌هایی از نا عدالتی فضایی به‌طور توصیفی آسان است، اما تشخیص و درک فرآیندهای مهمی که موجب ایجاد یک جغرافیای ناعادلانه می‌شوند از سختی بسیار بیشتری برخوردار است (Soja,2009).

دیکسی نیز، مفهوم‌سازی عدالت فضایی را در یک صورت‌بندی دیالکتیکی موردبررسی قرار می‌دهد. در این صورت‌بندی وی به «حالت فضایی نا عدالتی» و «نا عدالتی حالت فضایی» اشاره می‌کند. از نظر دیکسی مفهوم اول به این معنی است که عدالت دارای بعد فضایی بوده و بنابراین می‌توان از یک نگرش فضایی برای تشخیص نا عدالتی در فضا با تحلیل الگوهای توزیعی استفاده کرد. از طرف دیگر مفهوم دوم بر ظرفیت ساختارهای موجود در تولید و بازتولید نا عدالتی از طریق فضا دلالت دارد. در مقایسه با مفهوم اول، نا عدالتی حالت فضایی پویاتر و فرایند گرا است (دیکسی،۱۳۹۲: ۱۲۷). از نظر دیکسی، مفهوم عدالت فضایی، انتقادی از کنار گذاشتن، تسلط و سرکوب سیستماتیک است؛ انتقادی که هدف آن ترویج حساسیت‌های جدیدی است که به اقدامات انجام‌گرفته علیه بی‌عدالتی‌های موجود در فضا و پویایی‌های فضایی، جان می‌بخشد. از نظر وی هدف این انتقاد، تفسیر یک گفتمان ایدئولوژیکی درباره (بی) عدالتی حالت فضایی است؛ در گفتمانی که تأکید به‌خودی‌خود بر فضا نیست، بلکه بر فرایندهایی است که فضا را تولید می‌کنند و درعین‌حال بر کاربرد این فضاهای تولیدشده در فرایندهای پویای اجتماعی، اقتصادی و روابط سیاسی تأکید می‌شود (دیکسی،۱۳۹۲: ۱۲۸).

بر اساس آنچه گفته شد، فضا یک ساختار اجتماعی است که منعکس‌کننده حقایق اجتماعی بوده و بر روابط اجتماعی تأثیرگذار می‌باشد. ازاین‌رو هم عدالت و هم بی‌عدالتی در فضا نمود می‌یابد؛ بنابراین در تحلیل و تبیین گفتمان عدالت فضایی تحلیل سیاست‌ها و نهادهای موجود که منجر به خلق نا عدالتی در فضای شهری می‌شوند، اهمیت زیادی دارند. چنین رویکردی همان‌طور که دیکسی نیز عنوان می‌کند به ما کمک می‌کند تا فرایندهای پویای اجتماعی، فضایی، اقتصادی و سیاسی را کشف کنیم و ببینیم آیا آن‌ها به روشی کار می‌کنند که تسلط و سرکوب را که ناعادلانه در نظر گرفته می‌شوند، تولید و بازتولید کنند. از سوی دیگر همان‌طور که برخی از نظریه‌پردازان عدالت شهری مانند فاینشتاین بیان می‌کند در نظریات جدید عدالت در برنامه‌ریزی، فرایند و نتیجه برنامه‌ریزی از هم جدا نیستند. از نظر نیز دیکسی شکل و فرایند از همدیگر تفکیک‌ناپذیرند. سوجا عنوان می‌کند که عدالت یا نا عدالتی فضایی را می‌توان هم به‌عنوان یک پیامد (نتیجه) و هم به‌عنوان یک فرآیند مورد مشاهده قرار داد؛ بنابراین برنامه‌ریزی برای عدالت فضایی نیز با هر دو مورد فرایندها و برآیندهای (نتایج) برنامه‌ریزی سروکار دارد. ازاین‌رو، در عدالت فضایی با دو رویکرد اصلی روبه‌رو هستیم: ۱- **<u>عدالت فضایی توزیعی</u>** که در قالب الگوهای توزیعی که به‌خودی‌خود عادلانه / ناعادلانه هستند، در حوزه‌های جغرافیایی معنا می‌یابد؛ ۲- **<u>عدالت فضایی ساختاری</u>** که به‌عنوان فرآیندهای شکل‌دهنده به فضا مورد بحث قرار می‌گیرند.

رویکرد اول، بر پایه پرسش‌هایی درباره توزیع فضایی و یا توزیع فضایی اجتماعی و تلاش برای دستیابی به یک توزیع برابر جغرافیایی بر اساس نیازها و خواست شهروندان شکل‌گرفته است؛ مانند دسترسی به خدمات شهری، فرصت‌های شغلی، دسترسی به مراقبت‌های بهداشتی، کیفیت هوای خوب و... (Dufaux &؛Soja,2009: 6 et al.,2009:3). دو تا از محورهای برجسته در عدالت توزیعی که بر آن‌ها تأکید می‌شود، چگونگی وضعیت

مدیریت شهری
فصلنامه علمی پژوهشی
مدیریت شهری و روستایی
شماره ۶۶. بهار ۱۴۰۱
Urban managment
No.66 Spring 2022

[Downloaded from ijurm.imo.org.ir on 2026-06-10]

زندگی (هم محیط اجتماعی و هم محیط فیزیکی) و توزیع فرصت‌ها (دسترسی به زیرساخت‌های اجتماعی، فیزیکی و مجازی) است (Martaez,2009:390). برخی عدالت فضایی را فقط دسترسی برابر به تسهیلات عمومی اساسی تعریف کرده‌اند و معیار سنجش عدالت هم، میزان فاصله از خدمات بوده است. برخی دیگر هم عدالت فضایی را توزیع یکسان خدمات بر اساس نیازها، سلایق، اولویت‌ها ساکنان و استانداردهای خدمات‌رسانی تعریف کرده‌اند (Liao, et. Al, 2009:138).

به‌طورکلی باید گفت، عدالت فضایی توزیعی بیشتر به ارزیابی وضع موجود شهرها از منظر برابری‌های فضایی می‌پردازد. در این رویکرد، توزیع عادلانه منابع می‌تواند در چهار شکل: برابر مبنا (ارائه خدمات برابر به همه افراد)، جبرانی/ نیاز مبنا (افرادی که نیاز بیش‌تری دارند خدمات بیش‌تری دریافت می‌کنند)، تقاضا مبنا (افرادی که تقاضای بیش‌تری برای بهره‌مندی از خدمات دارند، بیش‌تر دریافت می‌کنند) و سیستم بازار (خدمات متناسب با نظام بازار ارائه می‌شود) تأمین شود (Heckerta & Rosan,2016: 265). هر یک از این اشکال نیز با تأکید بر برآیندهای عادلانه از شاخص‌های متعددی چون توزیع جمعیت، توزیع خدمات، سرانه خدمات و دسترسی به خدمات به‌عنوان عناصر اصلی عدالت فضایی تأکید می‌کنند.

رویکرد دوم، بر فرایندهای تصمیم سازی تأکید دارد. این رویکرد هم‌چنین بازنمودهای فضایی، مکانی، هویتی و اعمال اجتماعی را شامل می‌شود؛ مانند وجود رویکردهای تبعیض‌آمیز در شکل‌دهی به فضای شهری (Dufaux et al., 2009; Soja, 2009;Fainstein, 2014). این جریان نظری نگاهی فرایندی و ساختاری به عدالت داشته و به دنبال رویه‌های عادلانه جهت تحقق عدالت فضایی و ریشه‌یابی بی‌عدالتی در شهر است. صورت‌بندی ساختاری از عدالت فضایی به‌عنوان یک گفتمان انتقادی، هدفش حذف تبعیض، کاهش فقر، جدایی گزینی اجتماعی و سلطه است. این‌چنین مفهوم‌سازی از عدالت فضایی در شهر، نیازمند شناخت بازیگران قدرت در عرصه‌های مختلف اجتماعی، سیاسی و تحلیل روابط قدرت، ساختارها و فرآیندهای برنامه‌ریزی است (داداش پور و دیگران،۱۳۹۴). همچنین نیاز امروز جامعه ما نیز کشف ساختارها و لایه‌های زیرین ایجادکننده بی‌عدالتی و نابرابری در شهرها است که متأسفانه مغفول مانده است. بر این اساس، هدف عدالت فضایی ساختاری، بررسی و ارزیابی فرآیندهای شکل‌دهنده به فضا است که در دو بخش برنامه‌های توسعه و قوانین و مقررات و ساختارهای مدیریتی حاکم بر برنامه‌ریزی از تأثیرگذارترین عوامل در این حوزه محسوب می‌شوند. لازم به ذکر است که کشف و طرح نمونه‌هایی از بی‌عدالتی فضایی به‌صورت توزیعی نسبتاً آسان است، اما شناسایی و درک فرآیندهای اساسی تولید مناطق جغرافیایی ناعادلانه بسیار سخت‌تر است (de Jeude & et al,2016: 65).

مدل مفهومی و چارچوب نظری پژوهش

با توجه به نظریات مطرح‌شده، مجموعه جریان‌های فکری که به موضوع عدالت پرداختند را می‌توان در سه جریان (اصالت آزادی، طرفداران اصالت حق و پیروان اصالت کرامت) دسته‌بندی کرد. سپس به‌منظور تبیین معیارهای عدالت فضایی ساختاری، در این بخش، برای هر یک از این سه متغیر کانونی، معیار ما به ازایی در نظر گرفته می‌شود که بر جنبه فضایی آن متغیر دلالت داشته باشد. این سه معیار عبارت‌اند از مشارکت (وجه فضایی آزادی)، حق به شهر (جنبه فضایی حق) و توانمندسازی (نمود فضایی کرامت انسانی) که بر اساس آن‌ها، سند طرح جامع ارومیه (به‌عنوان یک مورد پژوهشی) مورد ارزیابی قرار می‌گیرد تا بدین طریق مشخص گردد که این طرح در رویه و فرآیند خود چگونه و از چه مسیری تحقق عدالت فضایی را در شهر طلب نموده است. در ادامه به تبیین این سه معیار پرداخته می‌شود.

۱- **مشارکت شهروندی**: همان‌گونه که در تعریف مفهوم معیار آزادی از نظر این مقاله آمد، یکی از مفاهیم کلیدی در این تعریف، «قدرت تعیین سرنوشت شهروندان» است. در این مطالعه، به پیروی از فاینشتاین، به‌جای مفهوم آزادی، از مفهوم مشارکت استفاده می‌شود. منظور از مشارکت شهروندی در این مقاله، سهیم شدن شهروندان در تدوین و اجرای سیاست‌ها و پیشنهادها به‌منظور اکتساب قدرت تعیین سرنوشت شهر است. ارنشتاین نردبانی هشت پله‌ای از مشارکت شهروندی ترسیم می‌نماید که هر پله‌ای از آن میزان قدرت افراد را در تصمیم‌گیری نهایی نشان می‌دهد. پله‌های بالاتر مشارکت، درجاتی بالاتر از قدرت تصمیم‌گیری را به مشارکت‌کنندگان می‌دهد.

۲- **حق به شهر**: مفهوم حق به شهر، اولین بار از سوی لوفور مطرح شد. او حق به شهر را صورت‌بندی تغییر شکل یافته و نو شده‌ای از «حق زندگی شهری» می‌داند (Lefebvre, 2009: 158). همچنین هاروی نیز معتقد است که حق به شهر، حقی است که به‌موجب آن می‌توان خود را تغییر داد تا شهر تغییر کند. این حق، بیشتر از اینکه یک حق فردی باشد، حقی جمعی است؛ زیرا

مدیریت شهری
فصلنامه علمی پژوهشی
مدیریت شهری و روستایی
شماره ۶۶. بهار ۱۴۰۱
Urban managment
No.66 Spring 2022

[Downloaded from ijurm.imo.org.ir on 2026-06-10]

این تحول به ناچار به اعمال قدرت جمعی برای تغییر شکل فرآیندهای شهرنشینی وابسته است (Harvey, 2008: 23). سوجا نیز از دیگر کسانی است که به موضوع حق به شهر پرداخته است. منظور از حق به شهر، «حق شهروندان برای زندگی در شهر به‌مثابه یک فضای فرهنگی غنی و متنوع است که به تمام ساکنان تعلق دارد و اینکه همه بدون هیچ‌گونه تبعیض جنسیتی، سنی، وضعیت سلامتی، درآمد، ملیت، نژاد، وضعیت مهاجرت و یا گرایش‌های سیاسی و دینی حق زندگی شهری و نگهداری هویت و خاطرات فرهنگی دارند».

۳- **توانمندسازی**: همان‌گونه که اشاره شد معیار توانمندسازی به‌عنوان وجه فضایی کرامت انسانی در نظر گرفته‌شده است. توانمندسازی در فرهنگ آکسفورد «قدرتمند شدن»، «مجوز دادن» و «قدرت بخشیدن و توانا شدن» معنا شده است. توانمندسازی در اصطلاح عبارت است از رشد و پرورش استعدادها و ظرفیت‌های خاص شهروندان و گروه‌های مختلف شهری به‌منظور حضور حداکثری و مشارکت هرچه بیشتر آن‌ها، تصمیم‌گیری و رفتار آگاهانه و مسئولیت پذیرانه در اعمال اجتماعی، سیاسی، اقتصادی و فرهنگی (شفیعی و دیگران،۱۳۹۸: ۶۷). فیترمن (۲۰۰۵) توانمندسازی را فرایندی شامل حمایت، آموزش، آزادسازی و آشکارسازی تعریف نموده است (فتایی و دیگران،۱۳۹۳: ۶). همچنین، توانمندسازی محرک پاسخگویی و واکنش‌پذیری انسان و جوامع نسبت به مسائل زندگی‌شان است و شرایط را برای تغییر کردار آنان از انسان کارپذیر به انسان کارساز و کارآفرین آماده می‌سازد (Muigua,2015: 28).

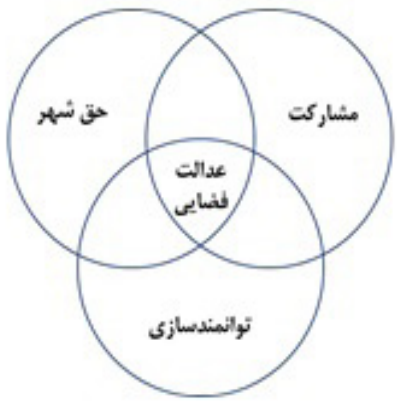

شکل ۱. به‌سوی یک نظریه عدالت فضایی ساختاری

عدالت توزیعی در مقاله حاضر بر اساس دیدگاه «برابری فرصت‌ها» است و این دیدگاه بر این اصل استوار است که برای رسیدن به عدالت در جامعه باید، فرصت برابر برای همه آحاد جامعه در دسترسی به منابع و خدمات شهری تأمین گردد تا هر کس بر اساس توانایی و لیاقت خود از آن‌ها برخوردار شود. برنامه‌ریزی شهری عدالت محور تا زمانی که برابری فرصت‌ها را برای همه آحاد جامعه به رسمیت نشناسد و زمینه‌های لازم برای آن را به وجود نیاورد، شعاری بیش نخواهد بود. بر این اساس برنامه‌ریزی شهری عدالت محور بایستی توزیع مکانی بهتر خدمات و تسهیلات، کاهش فاصله در محلات هدف با کمک‌ها و اقدامات جبرانی، بهبود دسترسی به تسهیلات و خدمات، بهبود حمل‌ونقل عمومی و بهبود کیفیت و گسترش زیرساخت‌های شهری، شبکه‌ای و مجازی را در دستور کار خود قرار دهد. در مقاله حاضر، قابلیت دسترسی شهروندان به خدمات شهری و توزیع فضایی خدمات شهری به عنوان معیارهای سنجش عدالت توزیعی مدنظر می‌باشد.

در شکل ذیل مدل مفهومی پژوهش براساس آنچه تاکنون گفته شده است، ارائه شده است.

[Downloaded from ijurm.imo.org.ir on 2026-06-10]

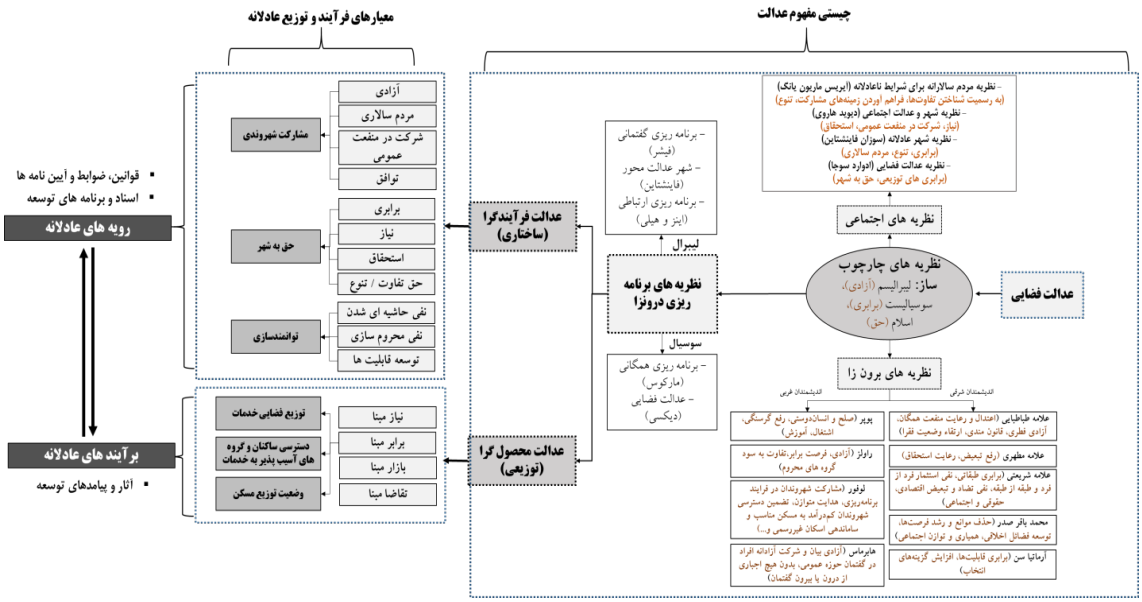

شکل ۲. مدل مفهومی پژوهش

روش‌شناسی

مطالعه حاضر، پژوهشی بنیادی-کاربردی، قیاسی-استقرایی، ترکیبی (کمی و کیفی) و کتابخانه‌ای مبتنی بر مطالعه موردی است که به ارزیابی عدالت فضایی ساختاری (سند طرح جامع ارومیه) و عدالت فضایی توزیعی (خدمات) می‌پردازد و از طریق بررسی اسناد و مدارک، به توصیف، اکتشاف و تبیین میزان تحقق عدالت در طرح جامع ارومیه و در توزیع فضایی خدمات و دستیابی ساکنین به آن‌ها اقدام می‌نماید. در ادامه به ارزیابی معیارهای عدالت فضایی ساختاری در سند طرح جامع ارومیه (مصوب سال ۱۳۸۸) و ارزیابی توزیع فضایی و دسترسی ساکنان به خدمات اقدام می‌شود که بسته به نوع معیارهای به‌دست‌آمده، از روش‌های بازخوانی اسناد و مدارک در سنجش معیارهای عدالت ساختاری در طرح جامع ارومیه استفاده می‌شود که بر مبنای آن مشخص می‌گردد که برنامه توسعه ارومیه چگونه و تا چه حد برای تحقق عدالت تلاش کرده است. همچنین با اخذ اطلاعات کاربری‌های برداشت‌شده توسط معاونت شهرسازی و معماری شهرداری ارومیه در سال ۱۳۹۹ و نتایج تفصیلی سرشماری عمومی نفوس و مسکن سال ۱۳۹۵ شهر ارومیه که به تفکیک بلوک‌های آماری است، به سنجش عدالت توزیعی پرداخته می‌شود.

برای ارزیابی عدالت (ساختاری) در طرح جامع ارومیه از روش تحلیل گفتمان کیفی با تأکید بر شبکه نشانه‌شناسی فردینان دوسوسور استفاده شده است. تحلیل گفتمان، روشی است که عموماً در بازخوانی پیام‌ها و اسناد مورد استفاده قرار می‌گیرد. این روش تجزیه‌وتحلیل، به بافت و بستر، تغییر و ناپایداری و برساخت‌ها در متن و بالاخره ذخیره‌های تفسیری به کار گرفته‌شده در متن توجه دارد. دوسوسور، زبان‌شناس سوئیسی، در تحلیل گفتمان به نظام «هم‌نشینی و جانشینی» واژگان توجه دارد و می‌کوشد با واکاوی شیوهٔ کنار هم قرار گرفتن کلمات، معنای ذهنی آن‌ها را تبیین نماید. به عبارتی در تحلیل نشانه‌شناسی گفتمانی دوسوسور، به نظام «هم‌نشینی و جانشینی» واژگان توجه می‌شود و تلاش بر این است با واکاوی شیوهٔ کنار هم قرار گرفتن کلمات یا واژگان، معنای متنی و برون‌متنی آن‌ها تبیین شود. در مقاله حاضر نیز، با توجه به تفاسیر متفاوت از واژه عدالت، کاربست این شیوه می‌تواند نشان دهد که طرح جامع ارومیه به چه مفاهیمی در پس واژگان عدالت توجه دارند. به‌عبارت‌دیگر، با بازخوانی اسناد طرح جامع ارومیه، مشخص خواهد شد که چه واژگانی در هم‌نشینی و جانشینی با واژه عدالت قرار دارند. این روش کمک خواهد کرد که از طریق شبکه نشانه‌ها، مفهوم عدالت در اسناد این برنامه تبیین گردد.

برای ارزیابی عدالت توزیعی نیز از معیار دسترسی ساکنان به خدمات و معیار توزیع فضایی خدمات بر اساس روش‌ها و مدل‌های فضایی در نرم‌افزار GIS استفاده می‌شوند. درنهایت با استفاده از مدل ماباک (MABAC)، نواحی ۱۵ گانه شهر ارومیه به لحاظ برخورداری جمعیت از خدمات رتبه‌بندی می‌شوند. تکنیک ماباک از جدیدترین تکنیک‌های تصمیم‌گیری چند شاخصه است که برای

مدیریت شهری
فصلنامه علمی پژوهشی
مدیریت شهری و روستایی
شماره ۶۶. بهار ۱۴۰۱
Urban managment
No.66 Spring 2022

[Downloaded from ijurm.imo.org.ir on 2026-06-10]

رتبه‌بندی در مدل‌های تصمیم‌گیری چندمعیاره استفاده می‌شود. این روش اولین بار توسط پاموکار و سیروویچ (Pamučar & Ćirović,2015) ارائه شد که به شرح ذیل است:

اولین گام در این روش تعیین عوامل و گزینه‌های پژوهش است. دومین گام تشکیل ماتریس تصمیم است. در گام سوم باید ماتریس تصمیم مرحله دوم را نرمال کرد. نرمال‌سازی با استفاده از روابط زیر صورت می‌گیرد. چنانچه معیارها جنبه مثبت داشته باشند از رابطه اول و چنانچه معیارها جنبه منفی داشته باشند از رابطه دوم استفاده می‌شود.

$$n_{ij} = \frac{x_{ij} - x_i^-}{x_i^+ - x_i^-}$$

$$n_{ij} = \frac{x_{ij} - x_i^+}{x_i^- - x_i^+}$$

در گام چهارم با استفاده از رابطه زیر ماتریس نرمال، وزن‌دار می‌شود:

$$v_{ij} = w_i.(n_{ij} + 1)$$

در گام پنجم با استفاده از رابطه زیر برای هر معیار یک مرز ناحیه شباهت مشخص می‌شود؛ درواقع باید از امتیازات هر معیار میانگین هندسی گرفته شود تا مرز ناحیه شباهت به دست آید.

$$gi = (\prod_{j=1}^{m} vij)^{\frac{1}{m}}$$

در گام ششم با استفاده از رابطه زیر فاصله گزینه‌ها تا ناحیه g به دست می‌آید. درواقع باید ماتریس وزن‌دار را از ماتریس g کم کرد.

$$Q = V - G = \begin{bmatrix} v_{11} & v_{12} & v_{1n} \\ v_{21} & v_{22} & v_{2n} \\ v_{m1} & v_{m2} & v_{mn} \end{bmatrix} - \begin{bmatrix} g_1 & g_2 & g_n \\ g_1 & g_2 & g_n \\ g_1 & g_2 & g_n \end{bmatrix}$$

در گام هفتم با استفاده از رابطه زیر امتیاز نهایی هر گزینه مشخص شده و بر اساس آن گزینه‌ها رتبه‌بندی می‌شوند.

$$S_i = \sum_{j=1}^{n} q_{ij} \quad j = 1,2,\dots,n, \quad i = 1,2,\dots,m$$

تجزیه‌وتحلیل داده‌ها

ارزیابی عدالت ساختاری

در این بخش، در ابتدا تلاش می‌شود تا با استخراج موارد کاربرد واژگان مربوط به عدالت، برابری، مساوات، تعادل، توازن و نظایر آن‌ها از متن سند چشم‌انداز، اهداف، راهبردها و سیاست‌های طرح جامع ارومیه و تحلیل محتوای سند، برای کشف معنای این واژگان در ذهن برنامه‌ریزان و تهیه‌کنندگان طرح جامع ارومیه تلاش شود. سپس به ارزیابی معیارهای سه‌گانه عدالت فضایی ساختاری (مشارکت، حق به شهر و توانمندسازی) پرداخته می‌شود.

در هیچ‌یک از چشم‌اندازهای ذکر شده در طرح جامع ارومیه، نمی‌توان عبارات و واژگان مستقیماً مربوط به عدالت را نظاره کرد. ولی بااین‌وجود، برخی از عبارات ذکر شده در میان این چشم‌اندازها تا حدودی می‌توانند در جهت ارتقای عدالت کارا باشند که در ادامه موردبررسی قرارگرفته است. در میان موارد ذکر شده در بخش چشم‌انداز طرح جامع ارومیه چنین آمده است: «ساماندهی و سازمان‌دهی جابه‌جایی در شهر» و «دارای سازمان فضایی و ساختار کالبدی مناسب از طریق تأمین خدمات ساکنین، تقویت فضاهای شهری و عمومی، ایجاد مراکز شهری جدید و...». در این دو عبارت که سطرهای هفتم و هشتم از چشم‌انداز شهر ارومیه را تشکیل می‌دهد، کلماتی نظیر «ساماندهی جابه‌جایی»، «ساختار کالبدی مناسب» در کنار واژگانی همچون «تأمین خدمات» و «تقویت فضاهای شهری و عمومی» آمده است. به نظر می‌رسد که این هم‌نشینی را باید این‌گونه تفسیر کرد که در این دو عبارت مفهوم عدالت بیش از هر چیز به معنی «دسترسی به خدمات و زیرساخت‌های شهری» بوده است. تلقی‌ای که عمدتاً کالبدی است و از پرداختن به موارد اجتماعی و اقتصادی فاصله دارد. از دیگر موارد چشم‌انداز شهر ارومیه عبارت «شهری با فرهنگ شهری مناسب و تقویت‌شده از طریق گسترش امکانات گذران اوقات فراغت» که نشان می‌دهد که کاربرد مفهوم «فرهنگ شهری» در این چشم‌انداز کالبدی است و در حد و اندازه‌های مفاهیم بنیادین دیگری همچون «آزادی‌های مدنی»، «مشارکت اجتماعی» و یا «کرامت انسانی» ظاهر نشده است. همچنین، واژگان عدالت در چشم‌انداز به مواردی نظیر «قانون‌مداری» و «تنوع فرهنگی، قومی/دینی/اجتماعی» نیز اشاره شده است.

از عبارات اهداف ۴ گانه طرح جامع ارومیه که شامل «ساماندهی سازمان فضایی و ساختار کالبدی شهر»، «ارتقای کیفیت محیط شهری»، «ارتقای بازدهی عملکرد مدیریت شهری در فرآیند توسعه و عمران شهر»

[Downloaded from ijurm.imo.org.ir on 2026-06-10]

و «توانمندسازی شهروندان برای مشارکت در توسعه و عمران شهر» است، برمی‌آید که نگاه تهیه‌کنندگان طرح جامع در زمان تدوین اهداف، عمدتاً کالبدی بوده است. اشاره به توانمندسازی شهروندان نیز در حد «رفع کمبودهای خدماتی در محلات حاشیه‌ای» و «بازسازی بافت‌های فرسوده و مسئله‌دار» و امثالهم در نظر گرفته‌شده است که عمدتاً معطوف بعد کالبدی است.

راهبردها و سیاست‌های توسعه شهر ارومیه، به‌مراتب نسبت به اهداف، جامع‌نگرتر و کامل‌ترند. در جدول ذیل، راهبردها و سیاست‌هایی که کمابیش با واژگان مرتبط با عدالت سروکار دارند، به تفکیک راهبردها عرضه شده است.

جدول ۲. تحلیل محتوای راهبردها و سیاست‌های طرح جامع ارومیه بر اساس تکنیک نشانه‌شناسی دوسوسور

راهبرد	سیاست	عدالت
تقویت سازمان فضایی عملکردهای شهری	- تقویت ساختار سلسله‌مراتبی برای عملکردهای شهری به‌ویژه خدمات شهری - ایجاد هسته‌ها و مراکز عملکردی-تخصصی در قسمت‌های مختلف شهر - ساماندهی هم‌جواری کاربری‌ها و پالایش هسته مرکزی شهر - بسترسازی برای ایجاد شهرچندمرکزی (با مرکزیت اصلی مرکز کنونی شهر)	در این راهبرد و سیاست‌های اجرایی آن واژگانی چون پالایش شهری و ایجاد شهرچندمرکزی (برای جلوگیری از دوقطبی شدن) جانشین واژه عدالت فضایی در شهر شده است. چنین به نظر می‌رسد که منظور از پالایش در سیاست‌های این راهبرد، همان ساماندهی مراکز و گستره‌های فعالیتی ناکارآمد به‌ویژه در مرکز شهر چون راه‌آهن، کارگاه‌ها، مخازن نفت، مراکز نظامی و...مراکز غیر جذاب شهری باشد. در این راستا جای گزینی فعالیت‌های ناکارآمد موجود شهری با فعالیت‌های تخصصی و نوین مدنظر تهیه‌کنندگان طرح بوده است. همچنین سیاست‌های این راهبرد از آن جهت در بحث عدالت اهمیت دارد که در آن به حمایت از مکان‌ها و مناطقی به‌ویژه در غرب پرداخته شده است که در حال حاضر از توسعه کافی برخوردار نیست. ازاین‌رو، عدالت به سمت حمایت از مناطق کم برخوردار غلتیده و هدف آن جلوگیری از دوقطبی شدن ادراک شده است.
تقویت ساختار کالبدی	- تجمیع و تمرکز خدمات در پهنه‌های شهری مناسب - افزایش مزیت نسبی اراضی فاقد کاربری داخل شهر برای توسعه و استقرار کاربری‌های شهری در آن‌ها -جلوگیری از گسترش فیزیکی شهر - شناسایی پهنه‌های مستعد شهر برای بارگذاری (تراکم ساختمانی، تراکم فعالیتی و...) بیشتر	- این راهبرد و سیاست‌های آن به دلیل اینکه به چگونگی استفاده از زمین اشاره دارد، در بحث عدالت مهم است. در این راهبرد به واژهٔ عدالت به‌طور مستقیم اشاره نشده است، اما به نظر می‌رسد در آن افزایش بهره‌وری زمین جانشین عدالت شده باشد. ازاین‌رو، سیاست‌های اجرایی راهبرد حاضر به سمت توسعه درون‌زای شهر (جلوگیری از رشد فیزیکی شهر) و استفادهٔ بهینه از زمین در قالب افزایش تراکم ساختمانی و فعالیتی، تجمیع و تمرکز خدمات و بازیابی اراضی شهری به‌خصوص اراضی بایر نزدیک شده است.
ارتقای کیفیت سکونت	- تعدیل یا رفع کمبود سرانه زمین خدمات عمومی و تأسیسات و تجهیزات شهری مرتبط با سکونت - ایجاد امکانات لازم برای سکونت جمعیت رو به تزاید شهر - تقویت ساختار سلسله‌مراتبی برای عملکردهای شهری به‌ویژه خدمات - افزایش بارگذاری (تراکم ساختمانی و جمعیتی) اراضی مسکونی متناسب با ظرفیت و امکانات آن‌ها - ارائه ضوابط تشویقی در جهت تجمیع اراضی مسکونی، انبوه‌سازی و بلندمرتبه‌سازی	در این راهبرد و سیاست‌های اجرایی آن واژگانی چون تأمین خدمات موردنیاز سکونت و جمعیت در حال و آینده، استفاده از ظرفیت‌ها و پتانسیل‌های موجود برای افزایش بهره‌وری زمین (افزایش بارگذاری و ارائه ضوابط تشویقی تجمیع و بلندمرتبه‌سازی)، جانشین واژه عدالت در شهر شده است. بااین‌حال تأکید اصلی سیاست‌های این راهبرد به سمت «عدالت به معنای تعدیل نابرابری‌ها در دسترسی همه شهروندان به خدمات شهری» را در نظر دارد

[Downloaded from ijurm.imo.org.ir on 2026-06-10]

راهبرد	سیاست	عدالت
ارتقای کیفیت محیط کار و فعالیت	– ساماندهی فعالیت‌های مزاحم شهری و انطباق هم‌جواری فعالیت‌ها – تعیین محل‌های مناسب برای تمرکز استقرار فعالیت‌های اقتصادی – ایجاد واحدهای بزرگ اقتصادی – ارائه ضوابط و مقررات انعطاف‌پذیر برای استقرار واحدهای کار و فعالیت	نگاه طرح جامع ارومیه به مقوله عدالت در ارتقای کیفیت محیط کار و فعالیت، عمدتاً معطوف بعد کالبدی آن بوده و تکیه اصلی برنامه‌ریزان، بر ساماندهی محیط‌های کسب‌وکار (بازیافت فعالیت‌های مزاحم شهری) و ارائه ضوابط و تأمین اراضی موردنیاز برای استقرار واحدهای کار و فعالیت می‌باشد.
ارتقای کیفیت محیط گذران اوقات فراغت	– ایجاد و تقویت فضاهای سبز و باز عمومی در قسمت‌های مختلف سازمان‌های فضایی- عملکردی شهر – حفاظت از عناصر تاریخی و طبیعی شهر و تقویت نقش آن‌ها در محیط پیرامونی خود	این راهبرد و سیاست‌های اجرایی آن بر اهمیت فضاهای عمومی تأکید می‌کند. همان‌گونه که در فصل مبانی نظری مشخص شد، هابرماس ضمن بازسازی اندیشه‌های اجتماعی مارکس، عدالت را در عرصه‌های عمومی جستجو می‌کند. هم‌نشینی واژگان عدالت و فضا در سیاست‌های این راهبرد بسیار جالب‌توجه است.
ارتقای کیفیت محیط رفت‌وآمد (شبکه معابر و ترافیک)	– تقویت نقش عملکرد حمل‌ونقل عمومی در جابه‌جایی‌های داخل شهر – ایجاد مسیرهای حرکت پیاده در محورهای مناسب شهر – تکمیل شبکه معابر شهر و تقویت عملکرد سلسله‌مراتبی شبکه معابر	در این راهبرد و سیاست‌های اجرایی آن واژگانی چون «توسعه حمل‌ونقل همگانی» و «تأمین دسترسی همگان»، جانشین واژه عدالت در شهر شده است
ارتقای عملکرد بخشی و میان بخشی سازمان‌های مدیریت شهری	– ایجاد انطباق بین برنامه‌ها و طرح‌ها و پروژه‌های دستگاه‌های بخشی مدیریت شهری با تحولات توسعه‌ای پیشنهادی در طرح جامع شهر – یافتن راهکارهای جلوگیری از سوداگری و بورس‌بازی زمین – انتخاب روش‌های اجرای طرح‌های توسعه و عمران شهر در راستای تأمین منافع عمومی و جمعی شهروندان و ارجحیت بر منافع خصوصی	– این راهبرد و سیاست‌های اجرایی آن نشان می‌دهد که مشارکت بخشی و بین بخشی در راستای اجرای هرچه بهتر طرح جامع در بین سازمان‌های مدیریت شهری به‌ویژه شهرداری تأکید شده است. همچنین به مسئله رانت و بورس‌بازی زمین در ارومیه توجه دارد و بی‌آنکه راه‌حلی ارائه دهد، آن را گوشزد می‌کند. به‌هرحال این مسئله از چالش‌هایی است که در سالیان گذشته همواره عدالت را در شهر ارومیه تهدید کرده است. همچنین، طرح جامع با اصالت قائل شدن بر تأمین منافع عمومی و جمعی شهروندان و تقدم آن بر منفعت خصوصی، از یکسو به مفهوم چپ‌گرایانه عدالت نزدیک می‌شود.
توانمندسازی شهروندان کم‌درآمد و ساکن در محله‌های حاشیه‌ای و مسئله‌دار	– بازسازی و ساماندهی بافت‌های فرسوده، ناکارآمد و مسئله‌دار شهر – تدوین و اجرای برنامه‌های توانمندسازی برای محلات و جوامع نیازمند به آن در شهر – تقویت سهم مسکن اجتماعی و استیجاری در برنامه‌های توسعه مسکن بخش دولتی – پذیرش لزوم پرداخت یارانه به برخی از ساکنان شهر برای تسهیل و تسریع انطباق وضعیت زندگی و کار آنان با استانداردهای موردنظر	– عدالت فضایی در راهبرد و سیاست‌های آن به‌مثابه توانمندسازی و نوسازی بافت‌های فرسوده و مسئله‌دار در نظر گرفته‌شده است. درواقع این راهبرد را می‌توان به خاطر تأکید بر مسکن و توجه به مسئلهٔ حاشیه‌نشینی ارزشمند دانست. همچنین، صرف‌نظر از ادبیات مغشوش به کار گرفته‌شده در سیاست «پرداخت یارانه»، می‌توان آن را به خاطر تأکید بر ارتقای کیفیت زیست ساکنین در محلات فرسوده در قالب پرداخت یارانه حائز اهمیت دانست.
ارتقای مشارکت بخش خصوصی در برنامه‌های توسعه شهر	– پذیرش حق سرمایه‌گذاران در توسعه و عمران شهر در کسب سود و منفعت شخصی – تعریف و پیشنهاد پروژه‌های سودمند به سرمایه‌گذاران بخش خصوصی	این راهبرد و سیاست‌های آن به موضوع مشارکت بخش خصوصی در برنامه‌های توسعه شهری اشاره کرده است؛ اما آیا می‌توان باوجود سیاست ارجحیت منافع عمومی بر منافع خصوصی، تعارض منافع بین منافع عمومی و خصوصی را حل‌وفصل نمود، طوری که منافع عمومی در اولویت باشد؟.

[Downloaded from ijurm.imo.org.ir on 2026-06-10]

بـرای جمع‌بنـدی واژگان هم‌نشـین عدالـت در سـند طـرح جامـع ارومیـه، شـکل ذیـل، ترسـیم گردیـد. به‌عنـوان جمع‌بنـدی می‌تـوان اظهـار کـرد کـه طـرح جامـع در هـر ۴ بخـش موردمطالعـه (چشـم‌انداز، اهـداف، راهبردهـا و سیاسـت‌ها) ولـو به‌صـورت غیرمسـتقیم، بـه مفاهیـم مرتبـط بـا عدالـت متوجـه اسـت. منظـور از عدالـت فضایـی در سـند طـرح جامـع ارومیـه، دسترسـی همـگان بـه زیرسـاخت‌های شـهری و تأمیـن حداقل‌هـا بـرای همـه اسـت. درواقـع، تعبیـر سـند از عدالـت فضایـی بیشـتر بـر بعـد کالبـدی معطـوف اسـت. بدیـن معنـا، در بیشـتر مـوارد، عدالـت در سـند طـرح جامـع بـه معنـی «توزیـع متعـادل کاربری‌هـای خدماتـی و فضـای سـبز، توسـعه شـبکه معابـر و حمل‌ونقـل عمومـی، تقویـت فضاهـای عمومـی، نوسـازی بافـت فرسـوده و پالایـش فعالیت‌هـا» در نظـر گرفته‌شـده اسـت.

شکل ۳. نشانه‌شناسی کاربرد واژگان هم‌نشین و جانشین مرتبط با عدالت فضایی در سند طرح جامع ارومیه

مطابـق تحلیـل محتـوای سـند، آنچـه از «مشـارکت» در سـند طـرح جامـع ارومیـه مطرح‌شـده، تنهـا مشـارکت بخشـی و بیـن بخشـی و مشـارکت بخـش خصوصـی اسـت و اصـلاً توجهـی بـه مشـارکت شـهروندان نشـده اسـت. نتایـج نشـان می‌دهـد کـه نه‌تنهـا مشـارکت شـهروندی نه‌تنهـا در متـن سـند و در رونـد تهیـه طـرح دیـده نشـده، بلکـه حتـی مشـارکت بخشـی و بیـن بخشـی گفته‌شـده در متـن سـند نیـز بـه شـکل جـدی دنبـال نشـده اسـت، لـذا تهیـه طـرح پشـت درهـای بسـته صـورت گرفتـه اسـت؛ بنابرایـن، اگـر بنـا باشـد سـطح مشـارکت شـهروندان در طـرح جامـع ارومیـه مشـخص گـردد، ایـن مشـارکت در پایین‌تریـن سـطح خـود بـوده اسـت.

یافته‌هـای حاصـل از مطالعـات اسـنادی، نشـان‌دهنده تقلیـل دادن مفهـوم حـق بـه شـهر بـه «حـق دسترسـی بـه خدمـات و شـبکه حمل‌ونقـل عمومـی بـرای همـه» اسـت. ایـن تصـور، اگرچـه بخشـی از حقـوق شـهروندان بـرای زندگـی شـهری را پوشـش می‌دهـد، امـا عمدتـاً بـا نگاهـی کالبدگرایانـه بـه شـهر می‌نگـرد و حـق شـهروندان بـرای برخـورداری از فضـای بـا هویـت و بـا فرهنـگ غنـی را نادیـده می‌گیـرد. طـرح جامـع حتـی در مـواردی بـه تضییـع حقـوق طبقـه محـروم نیـز دامـن زده اسـت. بـرای مثـال، طبـق گـزارش شـهرداری ارومیـه از چالش‌هـای طـرح جامـع ارومیـه (مصـوب سـال ۱۳۸۸)، میـزان ساخت‌وسـازها به‌ویـژه در جنـوب شـهر (محـل سـکونت اقشـار پردرآمـد) بـه دلایـل منافـع اقتصـادی بیشـتر بـه سـمت افزایـش تعـداد واحدهـای مسـکونی و افزایـش حجـم ساخت‌وسـازها شـده اسـت کـه بازتـاب چنیـن رخـدادی را می‌تـوان در افزایـش نـرخ قیمـت زمیـن و مسـکن در شـهر ارومیـه به‌ویـژه جنـوب شـهر کـه بافـت توسـعه‌یافته دارد، مشـاهده نمـود. لـذا اقدامـات

مدیریت شهری
فصلنامه علمی پژوهشی
مدیریت شهری و روستایی
شماره ۶۶ . بهار ۱۴۰۱
Urban managment
No.66 Spring 2022

[Downloaded from ijurm.imo.org.ir on 2026-06-10]

طرح جامع باعث رشد بیشتر قیمت در جنوب شهر شده است که این تبعیض و جلوه‌ای از بی‌عدالتی است؛ بنابراین، طرح جامع ارومیه از حیث معیار حق به شهر نیز وضعیت مناسبی ندارد.
اشاره طرح جامع ارومیه به موضوع توانمندسازی، منحصراً به موضوع نوسازی بافت‌های فرسوده و مسئله‌دار بوده است که این اشاره با پرداخت یارانه به افراد همراه است. آنچه در بحث نوسازی بافت‌های فرسوده در حال رخ دادن است، ارائه تراکم تشویقی به‌منظور نوسازی واحدها و تجمیع قطعات است. درواقع، انحصار موضوع توانمندسازی به نوسازی شهری تقلیل موضوع به امر کالبدی به‌حساب می‌آید و توجهی به مباحث اجتماعی (توانمندسازی اجتماعی) و اقتصادی (توانمندسازی اقتصادی) ساکنین در طرح جامع نشده است. همچنین، براساس میزان هزینه‌های صرف شده شهرداری ارومیه در سال ۱۳۹۹ نشان می‌دهد که بیشترین میزان هزینه در بین مناطق متعلق به منطقه ۱ (۲.۳۰۰.۰۰۰.۰۰۰ تومان) و منطقه ۵ (۲.۳۰۰.۰۰۰.۰۰۰ تومان) است، درحالی‌که بودجه منطقه ۲ (۶۰۰.۰۰۰.۰۰۰ تومان)، منطقه ۳ (۸۰۰.۰۰۰.۰۰۰ تومان) و منطقه ۴ (۸۰۰.۰۰۰.۰۰۰ تومان) می‌باشد. درواقع، بودجه بافت‌های توسعه‌یافته که محل سکونت اقشار مرفه شهر است (منطقه ۱ و منطقه ۵) جمعاً بیش از دو برابر بودجه سه منطقه دیگر شهر است که دارای بافت فرسوده، قدیمی و حاشیه‌ای است. این مهم نشان می‌دهد، در حال حاضر هزینه‌های شمال و جنوب شهر یکسان نیست و فاصله شمال و جنوب شهر هرروز بیشتر می‌شود که از دلایل اصلی آن می‌توان به عدم توجه طرح جامع و عدم اهتمام شهرداری به توانمندسازی اجتماعی و اقتصادی ساکنین اشاره نمود. درواقع طرح جامع ارومیه به نقش برنامه‌ریز در مباحثی نظیر آموزش شهروندی، بسیج اجتماعی و کارآفرینی توجهی ندارد.

ارزیابی عدالت توزیعی

نتایج شاخص نزدیک‌ترین همسایگی نشان می‌دهد که درمجموع الگوی پراکنش فضایی کاربری‌ها به‌جز ورزشی به‌صورت خوشه‌ای می‌باشد. این مسئله بیانگر تمرکز کاربری‌ها (به‌جز ورزشی) در بخشی از شهر و درنتیجه برخورداری بیشتر منطقه‌ای خاص و کم برخورداری سایر مناطق و محرومیت آن‌ها از این تسهیلات است. از طرفی توزیع فضایی کاربری ورزشی از الگوی تصادفی تبعیت می‌کند، یعنی این کاربری در مکان‌های خاصی تمرکز نیافته است و به‌صورت تصادفی در سطح شهر پخش شده‌اند. همچنین وضعیت توزیع کاربری‌ها در مقیاس‌های مختلف عملکردی نیز در جدول ذیل، نشان داده شده است.

جدول ۳. نتایج محاسبات ضریب نزدیک‌ترین همسایگی کاربری‌ها (و شامل مقیاس‌های مختلف عملکردی) شهر ارومیه

کاربری		متوسط فاصله مشاهده شده	متوسط فاصله موردانتظار	نسبت نزدیک‌ترین همسایگی	امتیاز استاندارد شده (z)	مقدار احتمال	الگوی توزیع
فرهنگی		۲۱۹۰/۴۸۱	۵۰۳۷/۶۰۱	۸۰۰۰۲۷/۰	-۵۰۸۶۳۴/۲	۰.۰۱۲۱۲۰	خوشه‌ای
مذهبی		۰۸۳۰/۳۰۱	۰۷۱۰/۴۰۳	۷۴۶۹۷۳/۰	-۹۶۸۶۱۶/۷	۰.۰۰۰۰۰۰	خوشه‌ای
درمانی	محلی	۱۶۹۴/۵۹۸	۲۰۵۸/۶۹۵	۶۹۶۳۰۴/۰	-۳۰۲۹۶۲/۷	۰.۰۰۰۰	خوشه‌ای
	شهری	۲۱۴۱/۵۱۱	۲۹۱۴/۵۵۴	۶۳۳۲۰۰/۰	-۹۰۳۷۴۸/۸	۰.۰۰۰۰	خوشه‌ای
	کل	۱۲۵۸/۴۰۵	۹۳۰۶/۴۵۹	۷۶۲۵۲۲/۰	-۹۱۴۱۲۷/۴	۰.۰۰۰۰	خوشه‌ای
آموزشی	مهدکودک	۲۷۶۰/۴۰۶	۲۵۴۸/۴۳۸	۹۲۷۰۳۱/۰	-۳۸۸۹۴۲/۱	۰.۱۶۴۸۵۰	تصادفی
	دبستان	۰۱۲۸/۵۸۸	۲۵۰۳/۷۲۱	۸۱۵۲۶۹/۰	-۱۰۱۱۰۶/۳	۰.۰۰۱۹۲۸	خوشه‌ای
	راهنمایی	۸۹۹۰/۵۸۸	۵۷۶۷/۵۶۷	۱.۰۳۷۵۶۷	۴۶۰۱۸۴/۰	۰.۶۴۵۳۸۴	تصادفی
	دبیرستان	۸۸۰۸/۴۷۲	۵۴۳۴/۴۷۳	۹۹۸۶۰۱/۰	-۰۲۰۳۸۸/۰	۰.۹۸۳۷۳۴	تصادفی
	کل	۱۹۱۶/۲۱۰	۵۵۸۶/۳۹۷	۰.۵۲۸۷۰۶	-۹۵۱۶۵۲/۱۴	۰.۰۰۰۰	خوشه‌ای
فضای سبز	محله‌ای	۳۸۸۸۲۱/۲۶۷	۹۱۰۸۰۸/۴۲۵	۶۲۷۸۰۵/۰	-۷۶۷۳۹۲/۷	۰.۰۰۰۰۰۰	خوشه‌ای
	ناحیه‌ای	۵۶۹۰/۴۷۸	۵۰۰۲/۵۵۳	۸۶۴۶۲۳/۰	-۸۸۵۴۴۴/۱	۰.۰۵۹۳۷۰	نسبتاً خوشه‌ای
	شهری	۷۹۶۹/۳۷۰	۴۹۲۳/۵۳۴	۶۹۳۷۳۷/۰	-۸۴۲۰۲۵/۳	۰.۰۰۰۰۰	خوشه‌ای
	کل	۲۷۳۷/۲۰۶	۶۶۹۲/۳۱۷	۶۴۹۳۳۵/۰	-۸۳۶۵۴۵/۹	۰.۰۰۰۰۰	خوشه‌ای
ورزشی	محله‌ای	۲۱۲۷/۲۵۳۳	۳۹۴۰/۱۲۶۰	۰۰۹۸۵۸/۲	۷۳۲۲۳۹/۴	۰.۰۰۰۰۰۲	پراکنده
	ناحیه‌ای	۸۹۰۳/۲۷۹۰	۱۸۸۲/۱۷۷۸	۵۶۹۵۱۳/۱	۲۶۸۵۵۷/۳	۰.۰۰۱۰۸۱	پراکنده
	شهری	۲۶۷۱/۸۶۰	۰۲۵۹/۷۶۸	۱۲۰۱۰۲/۱	۱۲۵۶۰۱/۱	۰.۲۶۰۳۳۳	تصادفی
	کل	۱۷۲۶/۹۰۹	۹۰۶۲/۱۰۱۱	۸۹۸۴۷۵/۰	-۲۱۲۹۲۹/۱	۰.۲۲۵۱۵۷	تصادفی

مدیریت شهری
فصلنامه علمی پژوهشی
مدیریت شهری و روستایی
شماره ۶۶. بهار ۱۴۰۱
Urban managment
No.66 Spring 2022

[Downloaded from ijurm.imo.org.ir on 2026-06-10]

نتایج تراکم کرنل و بیضی انحراف از معیار نشان می‌دهد که تراکم برخورداری از کاربری فرهنگی در نواحی مرکزی شهر قابل مشاهده است، به‌طوری‌که بیشترین تراکم مربوط به نواحی منطقه ۴ است نقطه مرکز متوسط خدمات فرهنگی نیز در مرکز شهر ارومیه و در پیرامون بافت تاریخی این شهر قرارگرفته است. تراکم کاربری مذهبی بیشتر در نواحی قدیمی و حاشیه‌ای می‌باشد، به‌طوری‌که بیشترین تراکم مربوط به نواحی مناطق ۲ و ۴ است. تراکم کاربری‌های درمانی (چه مقیاس محلی و چه مقیاس شهری) بیشتر در نواحی مرکزی شهر قابل مشاهده است، به‌طوری‌که بیشترین تراکم مربوط به نواحی ۱، ۲ و ۴ از منطقه ۴ و ناحیه ۱ از منطقه ۵ است. بیشترین تراکم کاربری آموزشی شامل مهدکودک، دبستان، راهنمایی و دبیرستان بیشتر در نواحی توسعه‌یافته و مرکزی شهر مشاهده است. در رابطه با تراکم برخورداری از کاربری فضای سبز می‌توان گفت که درمجموع برخورداری نواحی مرفه و توسعه‌یافته از فضای سبز بیشتر از سایر نواحی می‌باشد. درنهایت، تراکم کاربری ورزشی بیشتر در نواحی مرکزی و جدید شهر ارومیه قابل مشاهده است. درمجموع می‌توان گفت که اکثر کاربری‌ها در نواحی مرکزی شهر متمرکز شده‌اند.

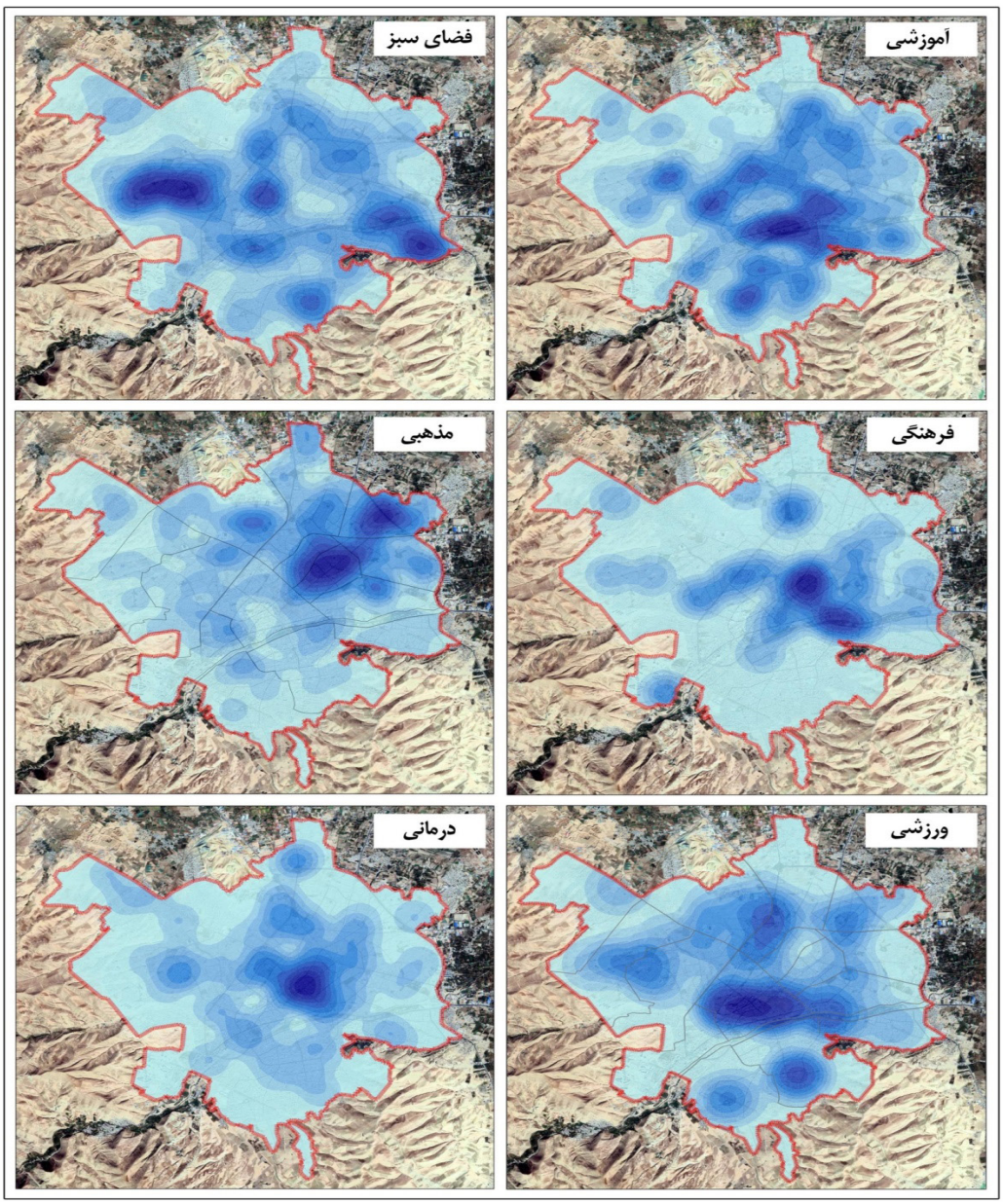

شکل ٤. تراکم کرنل کاربری‌های شهر ارومیه

مدیریت شهری
فصلنامه علمی پژوهشی
مدیریت شهری و روستایی
شماره ۶۶. بهار ۱۴۰۱
Urban managment
No.66 Spring 2022

[Downloaded from ijurm.imo.org.ir on 2026-06-10]

قابلیت دستیابی ساکنان به خدمات از منظر قرارگیری در محدوده خدمات‌رسانی و میزان پاسخ‌دهی خدمات به جمعیت موردبررسی قرار می‌گیرند. ازاین‌رو، بر اساس فاصله استاندارد کاربری‌ها به بررسی درصد جمعیت تحت پوشش خدمات، خانوار و مساحت در مقیاس‌های مختلف عملکردی پرداخته شد. درنهایت نواحی ۱۵ گانه ارومیه به لحاظ برخورداری از خدمات و براساس متغیرهای درصد جمعیت تحت پوشش، درصد مساحت تحت پوشش، درصد خانوار تحت پوشش، میانگین دسترسی به نزدیک‌ترین کاربری‌ها در شهر ارومیه با مدل ماباک اقدام شد. در ادامه نتایج به‌طور خلاصه آورده شده است:

شعاع دسترسی کاربری فرهنگی (بر اساس ضوابط شورای عالی معماری و شهرسازی ایران)، ۶۰۰ متر در نظر گرفته‌شده است که ۳۶,۲ درصد از جمعیت شهر ارومیه تحت پوشش خدمات فرهنگی می‌باشند و ۶۳,۸ درصد جمعیت که نزدیک به ۷۰ درصد از مساحت شهر را تشکیل می‌دهند، تحت پوشش خدمات فرهنگی نیستند. نتایج رتبه‌بندی نشان می‌دهد که نواحی چهارگانه منطقه ۴ و ناحیه ۱ منطقه ۵، به لحاظ برخورداری از خدمات فرهنگی در سطح "برخوردار" قرار دارند و نواحی ۳ و ۲ منطقه ۱ و ناحیه ۳ منطقه ۲ در سطح "بسیار محروم" قرار دارند.

محدوده خدمات‌رسانی و شعاع دسترسی کاربری مذهبی، ۴۰۰ متر در نظر گرفته است. نتایج نشان می‌دهد که حدود ۸۲ درصد از جمعیت شهر ارومیه تحت پوشش کاربری مذهبی می‌باشد و نزدیک به ۶۰ درصد از مساحت شهر ارومیه تحت پوشش کاربری مذهبی قرار دارند. نتایج رتبه‌بندی نشان می‌دهد که نواحی ۲، ۳ و ۴ منطقه ۴ و نواحی ۳ گانه منطقه ۲، به لحاظ برخورداری از خدمات مذهبی در سطح "برخوردار" و نواحی ۲ و ۳ منطقه ۱، نواحی ۲ و ۳ منطقه ۳ و ناحیه ۲ منطقه ۵ در سطح "بسیار محروم" قرار دارند.

محدوده خدمات‌رسانی و شعاع دسترسی خدمات درمانی (بر اساس ضوابط شورای عالی معماری و شهرسازی ایران)، ۷۵۰ متر برای مقیاس محلی و ۱۵۰۰ متر برای مقیاس شهری در نظر گرفته شده است. ۳۳,۸ درصد جمعیت که تقریباً نیمی از مساحت شهر را تشکیل می‌دهند، تحت پوشش خدمات درمانی محلی نیستند و حدود یک‌چهارم جمعیت شهر که یک‌سوم مساحت شهر را دارند، تحت پوشش خدمات درمانی شهری قرار ندارند. درمجموع، منطقه ۱ با میانگین حدود ۶۰ درصد جمعیت تحت پوشش خدمات درمانی پایین‌ترین میزان را دارد و بهترین وضعیت نیز مربوط منطقه ۴ با میانگین حدود ۸۸ درصد میزان تحت پوشش قرار گرفتن جمعیت می‌باشد. نتایج رتبه‌بندی نشان می‌دهد که نواحی ۱، ۲ و ۴ منطقه ۴ و ناحیه ۱ منطقه ۵ در سطح "برخوردار" و نواحی ۱ و ۳ منطقه ۱ و ناحیه ۳ منطقه ۳، در سطح "بسیار محروم" قرار دارند.

محدوده خدمات‌رسانی و شعاع دسترسی کاربری آموزشی (بر اساس سرانه کاربری‌های شهری دکتر حبیبی)، ۵۰۰ متر برای مهدکودک، ۸۰۰ متر برای دبستان، ۱۲۰۰ متر برای راهنمایی و ۱۵۰۰ متر برای دبیرستان در بین نواحی و مناطق شهر ارومیه مورد مقایسه قرارگرفته است. حدود ۳۲ درصد جمعیت که تقریباً نیمی از مساحت شهر را تشکیل می‌دهند، تحت پوشش مهدکودک نیستند. حدود ۱۸ درصد جمعیت شهر که یک‌سوم مساحت شهر را دارند، تحت پوشش خدمات آموزشی مقطع دبستان نیستند. حدود ۱۹ درصد جمعیت شهر که تقریباً یک‌سوم مساحت شهر را دارند، تحت پوشش خدمات آموزشی مقطع راهنمایی قرار ندارند. حدود ۵ درصد جمعیت شهر که حدود ۱۵ درصد مساحت شهر را دارند، تحت پوشش خدمات آموزشی مقطع دبیرستان نمی‌باشند. نواحی ۱ و ۴ منطقه ۴ و ناحیه ۱ منطقه ۵، به لحاظ برخورداری از آموزشی در سطح "برخوردار" و نواحی ۲ و ۳ منطقه ۳ و ناحیه ۳ منطقه ۲، در سطح "بسیار محروم" قرار دارند.

محدوده خدمات‌رسانی و شعاع دسترسی فضای سبز (بر اساس سرانه کاربری‌های شهری دکتر حبیبی)، ۳۷۵ متر برای مقیاس محله‌ای، ۷۵۰ متر برای مقیاس ناحیه‌ای و ۱۵۰۰ متر برای مقیاس شهری در نظر گرفته شده است. حدود ۵۳ درصد جمعیت که تقریباً نیمی از مساحت شهر را تشکیل می‌دهند، تحت پوشش کاربری فضای سبز محله‌ای نیستند و حدود ۴۲ درصد جمعیت شهر که نیمی از مساحت شهر را دارند، تحت پوشش فضای سبز ناحیه‌ای نیستند و حدود ۲۰ درصد جمعیت شهر که تقریباً یک‌چهارم مساحت شهر را دارند، تحت پوشش فضای سبز مقیاس شهری نیستند. نتایج رتبه‌بندی نشان می‌دهد که نواحی ۱، ۲ و ۴ منطقه ۴ و ناحیه ۱ منطقه ۵، به لحاظ برخورداری از کاربری فضای سبز در سطح "برخوردار" قرار دارند و ناحیه ۲ منطقه ۳ و ناحیه ۳ منطقه ۳ نیز در سطح "بسیار محروم" قرار دارند.

محدوده خدمات‌رسانی و شعاع دسترسی کاربری ورزشی (بر اساس مطالعات تفصیلی توسعه ورزش کشور)، ۵۰۰ متر برای مقیاس محله‌ای، ۱۰۰۰ متر برای مقیاس ناحیه‌ای و ۲۰۰۰ متر برای مقیاس شهری در نظر گرفته شده است. حدود ۹۲ درصد جمعیت که تقریباً ۹۰ درصد از مساحت شهر را تشکیل می‌دهند، تحت پوشش کاربری ورزشی محله‌ای نیستند و حدود ۶۵ درصد جمعیت شهر که ۷۵ درصد از مساحت شهر را دارند، تحت پوشش

مدیریت شهری
فصلنامه علمی پژوهشی
مدیریت شهری و روستایی
شماره ۶۶. بهار ۱۴۰۱
Urban managment
No.66 Spring 2022

[Downloaded from ijurm.imo.org.ir on 2026-06-10]

کاربـری ورزشـی ناحیـه‌ای قـرار ندارنـد و حـدود ۱۶ درصـد از مسـاحت شـهر را دارنـد، تحـت پوشـش ورزشـی مقیـاس شـهری نمی‌باشـند. ناحیـه ۲ منطقـه ۱ و نواحـی ۱ و ۲ منطقـه ۴ بـه لحـاظ برخـورداری از ورزشـی در سـطح "برخـوردار" و ناحیـه ۳ منطقـه ۳ و ناحیـه ۲ منطقـه ۵ در سـطح "بسـیار محـروم" قـرار دارنـد.

جدول ٤. درصد جمعیت تحت پوشش کاربری‌ها در نواحی و مناطق ارومیه

منطقه / ناحیه		فرهنگی	مذهبی	درمانی		آموزشی			
				محلی	شهری	مهدکودک	دبستان	راهنمایی	دبیرستان
منطقه ۱	۱	۳۹/۵۵	۸۵/۷۵	۵۷/۴	۲۴/۸	۵۸/۰۵۱	۹۹/۶۸	۱۰۰	۱۰۰
	۲	۱۹/۷۶	۶۱/۷۸	۷/۵۲	۹۹/۹	۸۱/۰۴	۹۰/۸۹	۹۲/۱۵	۱۰۰
	۳	۳/۳۱	۴۸/۸۲	۵/۳۹	۳/۷۱	۸۰/۰۵	۹۰/۶۹	۹۵/۳۹	۱۰۰
	کل	۱۷/۶۴	۶۱/۸۰	۴۸/۷	۷۴/۱	۷۶/۰۳	۹۲/۵۹	۹۵/۸۹	۱۰۰
منطقه ۲	۱	۲۳/۳۳	۱۰۰	۸۱/۵	۵۸/۵	۹۷/۴۷	۸۷/۴۵	۶۴/۸۴	۸۸/۹۹
	۲	۲۹/۴۴	۹۸/۷۱	۵۴/۷	۹۱/۶	۷۶/۷۸	۷۹/۸۵	۸۳/۷۲	۸۲/۵۲
	۳	۸/۳۲	۹۶/۹۷	۹/۴۶	۶۳/۴	۱۴/۸۲	۲۲/۰۶	۵۷/۴۵	۹۹/۳۱
	کل	۲۰/۱۱	۹۸/۴۸	۵۹/۹	۷۱/۷	۶۰/۹۲	۶۱/۵۷	۶۸/۷۶	۹۰/۴۲
منطقه ۳	۱	۴۴/۱۸	۸۶/۳۷	۷۱/۳	۹۶/۶	۵۵/۱۸	۹۰/۸۲	۸۷/۶۳	۹۵/۱۴
	۲	۲۳/۷۳	۶۶/۷۷	۵/۷۰	۵۴/۶	۶۸/۵۷	۷۲/۲۹	۴۶/۷۸	۹۳/۷۶
	۳	۳۸/۴۲	۵۸/۶۷	۷۳/۹	۰	۱۵/۵۶	۷۰/۵۶	۷۹/۸۰	۷۱/۵۸
	کل	۳۶/۷۴	۷۵/۶۹	۵/۷۱	۶۷/۸	۵۳/۱۲	۸۱/۶۷	۷۳/۳۵	۹۰/۹۳
منطقه ۴	۱	۸۹/۸۲	۷۴/۸۱	۹۰/۳	۸/۸۲	۹۶/۱۸	۱۰۰	۹۱/۶۱	۱۰۰
	۲	۹۳/۷۴	۱۰۰	۱۰۰	۱۰۰	۴۲/۵۱	۱۰۰	۱۰۰	۱۰۰
	۳	۶۰/۱۹	۹۹/۳۱	۶۸/۵	۵/۸۶	۸۲/۵۵	۹۱/۸۵	۶۲/۹۹	۹۵/۰۷
	۴	۶۰/۷۹	۱۰۰	۱۰۰	۱۰۰	۵۷/۸۳	۱۰۰	۱۰۰	۱۰۰
	کل	۷۵/۵۶	۹۱/۵۳	۸۵/۶	۸۹/۵	۷۷/۰۱	۰۹/۹۷	۸۴/۰۷	۹۸/۲۴
منطقه ۵	۱	۷۹/۰۹	۸۹/۹۱	۹۹/۰	۱۰۰	۱۰۰	۱۰۰	۱۰۰	۱۰۰
	۲	۲۲/۸۴	۵۶/۲۶	۵۳/۹	۸۶/۸	۷۳/۱۸	۷۶/۵۹	۸۰/۴۸	۸۷/۲۳
	کل	۵۵/۵۹	۷۵/۸۵	۸۰/۱	۹۴/۵	۸۸/۷۹	۹۰/۲۲	۹۱/۸۴	۹۴/۶۶
شهر ارومیه		۳۶/۲۳	۸۱/۷۷	۶۶/۲	۷۷/۹	۶۷/۸۷	۱۳/۸۲	۸۰/۷۹	۹۴/۵۳

مدیریت شهری
فصلنامه علمی پژوهشی
مدیریت شهری و روستایی
شماره ۶۶. بهار ۱۴۰۱
Urban managment
No.66 Spring 2022

[Downloaded from ijurm.imo.org.ir on 2026-06-10]

ادامه جدول ٤. درصد جمعیت تحت پوشش کاربری‌ها در نواحی و مناطق ارومیه

منطقه / ناحیه		پارک و فضای سبز			ورزشی		
		محله‌ای	ناحیه‌ای	شهری	محله‌ای	ناحیه‌ای	شهری
منطقه ۱	۱	۸۸/۵۱	۲۱/۶۷	۱۰۰	۴۷/۳۹	۰	۷۶/۱۸
	۲	۷۷/۳۷	۱۰/۷۴	۹۸/۰۹	۱۷/۵۴	۵۵/۸۵	۱۰۰
	۳	۵۸/۴۲	۳۲/۷۴	۶۹/۹۳	۰	۵۳/۷۷	۱۰۰
	کل	۷۲/۵۷	۲۱/۱۲	۸۸/۰۰	۱۷/۰۴	۴۳/۸۰	۹۵/۱۹
منطقه ۲	۱	۲۰/۴۸	۴۷/۴۶	۱۰۰	۰	۵۹/۶۳	۱۰۰
	۲	۳۴/۸۲	۶۶/۶۹	۹۵/۷۹	۰	۱۶/۵۸	۹۰/۰۳
	۳	۵/۳۸	۳۷/۷۲	۶۷/۵۸	۰	۰	۱۰۰
	کل	۲۰/۰۸	۵۰/۶۶	۸۷/۰۱	۰	۲۳/۵۱	۹۶/۵۴
منطقه ۳	۱	۶۱/۵۸	۸۷/۹۳	۵۸/۱۳	۱۶/۴۶	۲۸/۳۸	۹۵/۲۰
	۲	۳۳/۰۸	۹۶/۳۹	۵۹/۰۱	۰	۳۸/۱۰	۹۶/۰۸
	۳	۲۳/۰۵	۹۲/۰۳	۲/۷۲	۱۸/۴۴	۰/۶۰	۶۲/۱۷
	کل	۴۶/۳۳	۹۱/۲۸	۴۹/۵۵	۱۱/۵۳	۲۷/۰۴	۹۰/۲۰
منطقه ۴	۱	۴۱/۵۹	۸۳/۶۰	۱۰۰	۸/۳۵	۷۱/۳۴	۹۵/۷۸
	۲	۶۹/۱۸	۹۶/۴۷	۱۰۰	۳۲/۲۵	۳۴/۶۵	۱۰۰
	۳	۴۶/۴۱	۳۲/۳۵	۹۹/۷۶	۷/۵۴	۴۵/۶۴	۵۷/۶۶
	۴	۴۹/۲۹	۸۶/۲۱	۱۰۰	۰	۷/۷۵	۱۰۰
	کل	۴۸/۵۴	۶۷/۶۱	۹۹/۹۱	۹/۹۴	۴۵/۷۹	۸۳/۵۴
منطقه ۵	۱	۶۹/۶۸	۷۴/۹۱	۸۶/۸۲	۰	۶۴/۳۷	۱۰۰
	۲	۵۹/۸۵	۸۴/۱۳	۶۴/۰۱	۰	۳۳/۴۰	۶۹/۱۰
	کل	۶۵/۵۸	۷۸/۷۶	۷۷/۲۹	۰	۵۱/۴۳	۸۷/۰۹
شهر ارومیه		۴۷/۱۵	۵۸/۳۲	۸۰/۳۱	۸/۳۸	۳۵/۳۶	۹۱/۶۶

[Downloaded from ijurm.imo.org.ir on 2026-06-10]

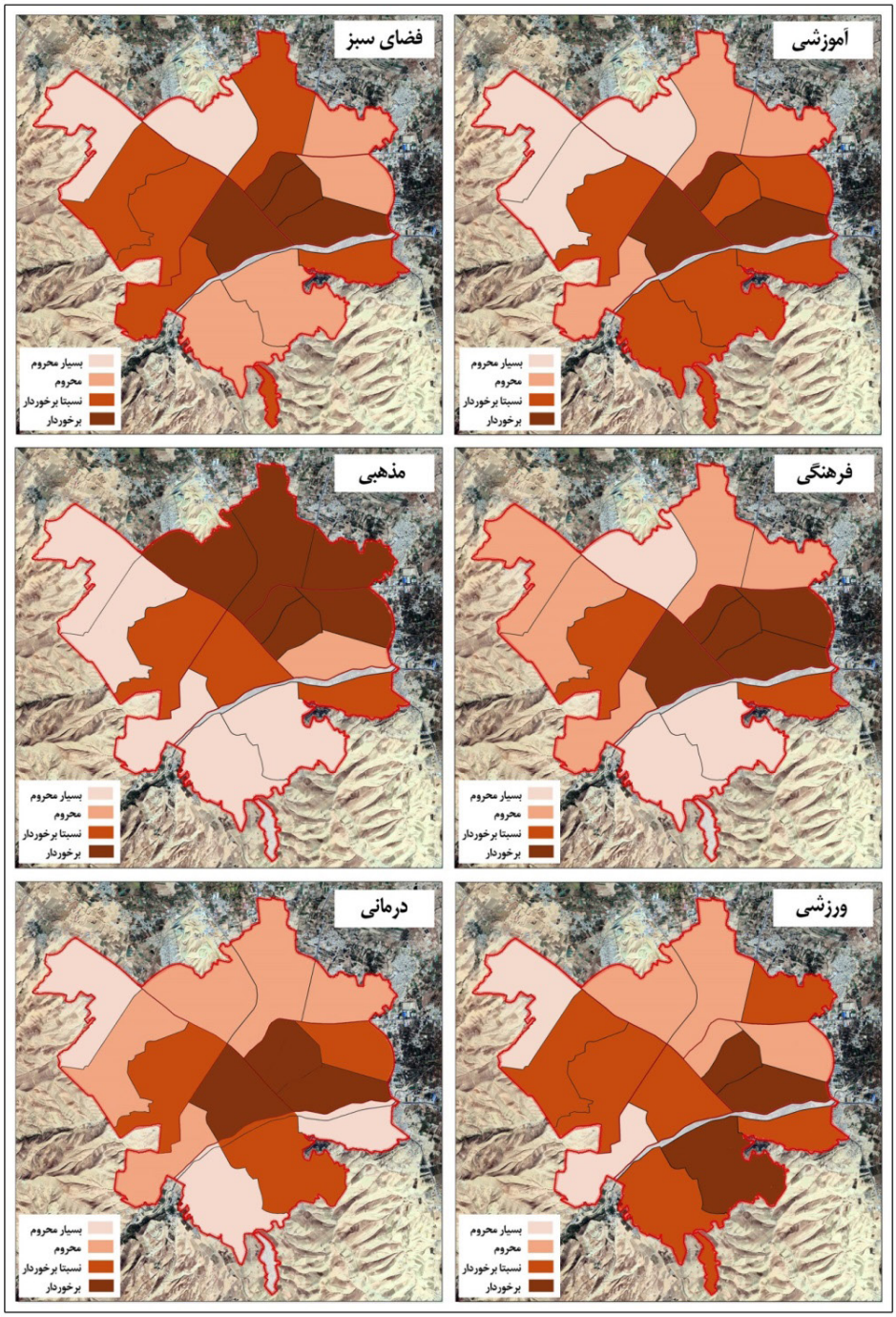

شکل ۵. رتبه‌بندی نواحی ۱۵ گانه ارومیه به لحاظ برخورداری از خدمات با مدل ماباک

مدیریت شهری
فصلنامه علمی پژوهشی
مدیریت شهری و روستایی
شماره ۶۶. بهار ۱۴۰۱
Urban managment
No.66 Spring 2022

[Downloaded from ijurm.imo.org.ir on 2026-06-10]

بحث و نتیجه‌گیری

این مطالعه، برای نخستین بار با بررسی چیستی مفهوم عدالت در قالب سنخ شناسی مفهومی نظریه‌های عدالت محور به ارائه چارچوبی برای ارزیابی عدالت فضایی و نهادینه‌سازی آن در فضاهای شهری به‌صورت عدالت ساختاری (کیفی) و عدالت توزیعی (کمی) دست‌یافته است که توأمان در شهر ارومیه موردبررسی قرار گرفتند. یافته‌های مطالعه عدالت ساختاری نشان می‌دهد که عدالت فضایی ساختاری را می‌توان از طریق سه معیار اصلی «مشارکت شهروندی»، «توانمندسازی» و «حق به شهر» تعریف و ارزیابی کرد. ارزیابی کیفی سند طرح جامع ارومیه با کاربست تکنیک تحلیل گفتمان با تأکید بر نشانه‌شناسی دوسوسور (که پیش‌ازاین تجربه نشده بود)، نشان می‌دهد که طرح جامع ارومیه توجهی عمدتاً کالبدی نه همه‌جانبه به مقوله عدالت فضایی داشته است. همچنین یافته‌های مطالعه عدالت توزیعی نشان می‌دهد که عدالت فضایی توزیعی را می‌توان از طریق توزیع فضایی خدمات و قابلیت دستیابی ساکنین به خدمات و رتبه‌بندی نواحی ارومیه از حیث برخورداری از خدمات با روش جدید ماباک (که پیش‌ازاین تجربه نشده بود) ارزیابی نمود که نتایج نشان می‌دهد، نابرابری در توزیع و دستیابی ساکنین به خدمات به شکل قابل‌توجه در شهر ارومیه وجود دارد.

در شهر ارومیه هرچند در سند سیاست‌گذاری (طرح جامع) برخی مصادیق و مؤلفه‌های منطبق بر مفاهیم عدالت فضایی وجود داشته و منظور از عدالت فضایی در سند «دسترسی همگان به زیرساخت‌های شهری و تأمین حداقل‌ها برای همه» استنباط شده است، اما در بستر توزیعی و پیاده‌سازی به نتیجه عادلانه منجر نشده است. درواقع، با اینکه توجه به مقوله عدالت فضایی در سند طرح جامع ارومیه بیشتر معطوف به بعد کالبدی است و از توجه به سایر جنبه‌ها غفلت گردیده است، ولی همان میزان توجه در عمل نیز، ناعادلانه توزیع شده‌اند؛ بنابراین می‌توان نتیجه گرفت که اولاً سیاست‌های گذاری شهری در بستر اسناد توسعه شهری توجهی عمدتاً کالبدی به مقوله عدالت فضایی داشته‌اند و همان سیاست‌ها نیز در بستر توزیع از راه‌هایی اجرا می‌شوند که غیر دموکراتیک بوده و فضاهایی شهری که در این فرایند تولید و بازتولید می‌شوند، در پاسخگویی به نیاز طبقات کم‌درآمد و غیر برخوردار شهری شکل نگرفته‌اند. به‌بیان‌دیگر آثار این سیاست‌گذاری‌ها تأمین‌کننده منافع همگانی و عمومی نبوده و به قول دیوید هاروی، خرده نخبگان شهری، مازاد شهری را با توجه به اهداف شخصی‌شان تولید و مدیریت می‌کنند. با این تفاسیر می‌توان این گزاره مهم را موردتوجه قرار داد که سیاست‌گذاری نسبتاً عادلانه می‌تواند به نتایج ناعادلانه منجر شود. درنتیجه مدیریت شهری شهرها و از جمله شهر ارومیه باید بتواند بین معیارها و ارزش‌های موردتوجه در گفتمان عدالت فضایی (فرآیندهای تصمیم سازی در سند اسناد شهری و توزیع فضایی خدمات در حوزه‌های جغرافیایی) در سیاست‌گذاری‌ها و در توزیع تعادل برقرار کنند.

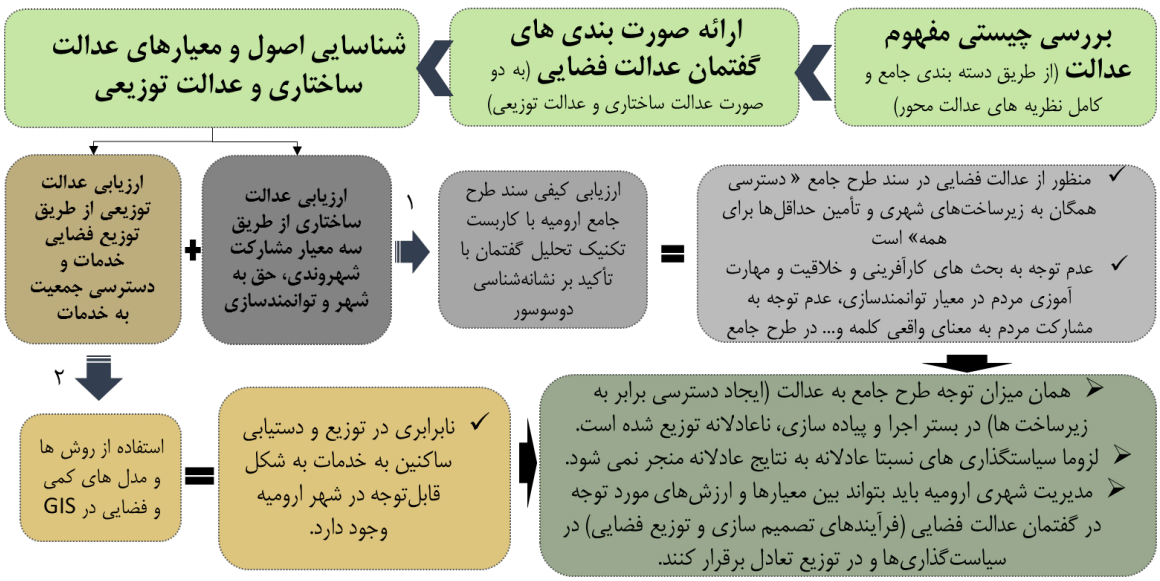

شکل ٦. خلاصه یافته‌های مقاله حاضر

[Downloaded from ijurm.imo.org.ir on 2026-06-10]

نتایـج پژوهـش بـا یافته‌هـای المحمـد و همـکاران (۲۰۱۸) همسـویی دارد. نتایـج مطالعـه المحمـد و همـکاران حاکـی از خوشـه‌ای بـودن توزیـع فضاهـای سـبز و دسترسـی‌پذیری بسـیار کمتـر نواحـی حاشـیه کـه افـراد کم‌درآمـد در آن سـاکن شـده‌اند بـه فضاهـای سـبز دارد و نشـان دادنـد کـه نواحـی دارای افـراد مرفـه، دسترسـی‌پذیری بهتـری بـه فضاهـای سـبز شـهری دارنـد. نتایـج مقالـه حاضـر نشـان داد کـه الگـوی توزیـع پارک‌هـای محلـه‌ای خوشـه‌ای اسـت و جمعیـت نواحـی حاشیه‌نشـین منطقـه ۲ و بخشـی از منطقـه ۳ دارای کمتریـن میـزان دسترسـی بـه پارک‌هـا می‌باشـند و در مقابـل سـاکنین نواحـی مرفـه و پردرآمـد دارای بیشـترین و بهتریـن میـزان دسترسـی بـه پارک‌هـا و فضاهـای سـبز هسـتند. نتایـج پژوهـش بـا یافته‌هـای دای (۲۰۱۶) همسـویی دارد. وی بـا اسـتفاده از داده‌هـای جمعیتـی و سـرانه کاربری‌هـا نشـان داد کـه خدمـات درمانـی به‌صـورت نابرابـر توزیـع شـده اسـت. در پژوهـش حاضـر نیـز نتایـج نشـان می‌دهـد کـه توزیـع خدمـات درمانـی در شـهر ارومیـه به‌صـورت نابرابـر و نامتعـادل اسـت و از سـرانه درمانـی بسـیار ناچیـزی برخـوردار اسـت. نتایـج پژوهـش بـا یافته‌هـای احمـدی و شمسـی‌پور (۱۳۹۹)، کوشـانه و دیگـران (۱۳۹۸)، زمانـی و دیگـران (۱۳۹۷)، مبارکـی و دیگـران (۱۳۹۴)، حیـدری (۱۳۹۵) همسـو می‌باشـد. براسـاس یافته‌هـای ایـن پژوهش‌هـا، اگرچـه سـطوح متفـاوت خدمـات بـه دلیـل سـطح متفـاوت جمعیتـی شـهرها پذیرفتـه شـده اسـت؛ امـا در بسـیاری مـوارد ایـن نسـبت برقـرار نیسـت، زیـرا مناطقـی وجـود دارنـد کـه بـا داشـتن جمعیـت زیادتـر، از سـطح پایین‌تـری از خدمـات بهـره می‌برنـد و در ایـن صـورت اسـت کـه بحـث محرومیـت مطـرح می‌شـود. در پژوهـش حاضـر نیـز نتایـج نشـان می‌دهـد کـه تمرکـز خدمـات در نواحـی مرکـزی شـهر ارومیـه اسـت و جمعیـت سـایر نواحـی ارومیـه به‌ویـژه نواحـی حاشیه‌نشـین دسترسـی پایینـی بـه خدمـات دارنـد و لـذا توزیـع خدمـات موجـود چنـدان متناسـب بـا نیازهـای جمعیتـی ارومیـه انجـام نشـده اسـت.

در مقالـه حاضـر به‌منظـور ارزیابـی عدالـت سـاختاری سـه معیـار توانمندسـازی، حـق بـه شـهر و مشـارکت شـهروندی از نظریه‌هـای عدالـت محـور اسـتخراج شـد و در سـند طـرح جامـع ارومیـه موردبررسـی قـرار گرفـت و مشـخص شـد کـه سـند مذکـور تـا چـه میـزان در تحقـق عدالـت تـلاش کـرده اسـت. بـر اسـاس نتایـج به‌دسـت‌آمده، طـرح جامـع ارومیـه نـه در متـن سـند و نـه در تهیـه طـرح بـه مشـارکت مـردم توجهـی نداشـته اسـت. در معیـار توانمندسـازی نیـز بـه مقولاتـی ماننـد کارآفرینـی، خلاقیـت، آمـوزش شـهروندی و بسـیج اجتماعـی و... توجهـی نشـده اسـت. تقلیـل دادن مفهـوم حـق بـه شـهر بـه دسترسـی بـه خدمـات و حمل‌ونقـل و نادیـده گرفتـن حـق شـهروندان در برخـورداری از فرصت‌هـای برابـر آموزشـی، اقتصـادی و فرهنگـی از نتایـج بررسـی معیـار حـق بـه شـهر در سـند طـرح جامـع ارومیـه اسـت. نتایـج ارزیابـی عدالـت توزیعـی نیـز نشـان داد کـه نابرابـری زیـادی بیـن نواحـی از حیـث برخـورداری سـاکنین از خدمـات وجـود دارد. بـا توجـه بـه نتایـج حاصـل از پژوهـش، پیشـنهادها و راهکارهـای ارتقـای عدالـت مطابـق جـدول ذیـل، به‌صـورت جامـع و کامـل پیرامـون محورهـای عدالـت سـاختاری (توانمندسـازی، مشـارکت و حـق بـه شـهر) و عدالـت توزیعـی (خدمـات) ارائـه می‌شـود تـا عـلاوه بـر رفـع کاسـتی‌های سـاختاری طـرح جامـع ارومیـه و توزیعـی در حوزه‌هـای جغرافیایـی بـه توسـعه هرچـه بیشـتر مفهـوم عدالـت سـاختاری و توزیعـی در تهیـه سـند طـرح جامـع جدیـد ارومیـه کـه بـه تازگـی در دسـتور کار مدیریـت شـهری ارومیـه قـرار گرفتـه اسـت، بتـوان دسـت‌یافت.

مدیریت شهری
فصلنامه علمی پژوهشی
مدیریت شهری و روستایی
شماره ۶۶. بهار ۱۴۰۱
Urban managment
No.66 Spring 2022

[Downloaded from ijurm.imo.org.ir on 2026-06-10]

جدول ۵. پیشنهاد و راهکارهای ارتقای عدالت ساختاری در روند تهیه سند طرح جامع و عدالت توزیعی در حوزه‌های جغرافیایی ارومیه

محور	راهبرد	پیشنهاد و راهکار
مشارکت شهروندی	حذف نگرش‌های منفی	– ارزش و اعتبار قائل شدن برنامه‌ریزان، مدیران و سایر افراد در طرح نسبت به این موضوع که ساکنان واجد توان بالقوه مشارکت هستند و انتقال این نگرش به ساکنین – ایجاد ساختار قانونی و فراهم نمودن زمینه‌های حقوقی و قانونی برای مشارکت همه
	علاقه‌مند کردن	– نظرسنجی‌های مکرر از مردم برای تعیین سطح رضایتمندی‌شان از پروژه و برنامه‌های تهیه‌شده و اجراشده – برگزاری نمایشگاه‌ها، نشست‌ها و کارگاه‌ها از طرف نهادهای متولی با هدف افزایش آگاهی ساکنان نسبت به طرح‌ها، منافع حاصل از اجرا و مزایای مشارکت – اطلاع‌رسانی منظم و ارائه گزارشی از بازخوردهای مشارکت یا عدم مشارکت برای عموم مردم از طریق تهیه بروشور و یا تهیه ماهنامه و خبرنامه و سایت‌های اطلاع‌رسانی
	کنترل شهروندان	– پاسخگو بودن مدیران به شهروندان نسبت به سؤالات و ابهامات افراد و فراهم کردن پایگاه‌های جوابگویی – برگزاری جلسات هم‌اندیشی و میزگرد مدیران شهر و برنامه‌ریزان تهیه طرح با مردم و گروه‌های ذی مدخل به‌منظور نظرخواهی و کمک‌های فکری از آنان (اجماع و توافق عمومی). – ایجاد نهاد و آتلیه‌های دائمی و مستمر در ارتباط با شهروندان و گروه‌های ذی مدخل به‌عنوان مراکز مشورتی و مطالعاتی برای تهیه طرح جهت درگیر کردن و شامل نمودن مداوم و همیشگی شهروندان در تصمیم سازی (کنترل شهروندان)
توانمندسازی	ظرفیت‌سازی و کارآفرینی	– اعطای وام و تسهیل دریافت اعتبارات بانکی برای اشتغال‌زایی پایدار به‌خصوص واحدهای تولیدی بومی – استفاده از ویژگی‌ها و توانایی‌های زنان و بسترسازی برای ارتقای نقش آنان در مدیریت مالی خانوار – ایجاد و توسعه فضاهای خلاقانه فرهنگی و آموزشی – ارائه برنامه‌های آموزشی برای بالابردن مهارت نیروی کار – وجود برنامه‌های اشتغال و تشویق به‌کارگیری جوانان بومی – ایجاد و تقویت فرصت‌های برابر برای شهروندان جهت دسترسی به شغل و درآمدزایی – راه‌اندازی فعالیت‌های کوچک و زودبازده اقتصادی – برگزاری دوره‌های کارآفرینی و آموزش فنی و حرفه‌ای به‌ویژه درزمینهٔ مشاغل بومی – مستندسازی و انتشار تجارب کارآفرینان و تکریم و تشویق آنان – برگزاری نمایشگاه‌ها و برنامه‌های حامی کارآفرینی در شهر – راه‌اندازی و توسعه انجمن کارآفرینی در شهر ارومیه – تشکیل شبکه‌ها و گروه‌های کارآفرین و آموزش مهارت‌های پایه – ایجاد صندوق‌های محلی و تعاونی‌های اشتغال و کارآفرینی – ارتقای یادگیری، نوآوری و خلاقیت – توسعه فعالیت‌های دانش‌بنیان و جاذب طبقه خلاق و آفرینش گر
حق به شهر	توجه به شمولیت اجتماعی	– ارتقای انسجام اجتماعی و ساخت‌وساز جمعی در شهر – ترویج برابری و عدم تبعیض، آزادی زبانی و مذهبی و حفاظت از شهروندان آسیب‌پذیر – ایجاد تعادل میان منافع مالکیت خصوصی با نیازهای اجتماعی ساکنان – ترویج برابری جنسیتی و توانمندسازی ساکنان به‌ویژه زنان و اقدام برای کاهش فقر
	حاکمیت خوب شهری	– پاسخگویی فضاهای شهری به نیازهای همه از جمله معلولان، افراد مسن و کودکان – فرصت برابر برای مشارکت همگان در تصمیم‌گیری‌های عمومی – فرصت برابر توسعه شخصی، معنوی، مذهبی، فرهنگی و اجتماعی – فرصت برابر برای بهره‌مندی از یک معیشت پربازده و آزاد – حفظ میراث فرهنگی موجود، ترویج و تنوع شیوه‌های فرهنگی – ترویج مشارکت دموکراتیک در مدیریت شهری
	بهبود دسترسی فضایی	– درنظرگرفتن شرایط برابر برای بهره‌مندی از مسکن مناسب و قابل استطاعت بدون تبعیض و تفاوت گذاری با تضمین مساوی بودن این فرصت‌ها و توزیع مناسب آن‌ها – برخورداری از خدمات شهری باکیفیت بالا و ارائه خدمات برای تمامی ساکنان شهر بدون تبعیض و تفاوت گذاری با تضمین مساوی بودن این فرصت‌ها و توزیع مناسب آن‌ها
خدمات	ارتقای میزان دستیابی به خدمات و تسهیلات برای همگان	– ارائه خدمات و تسهیلات شهری بر مبنای مساوات و برابری جغرافیایی و نیازسنجی‌های محیطی در عرصه محلی برای همه ساکنان شهری – در نظر گرفتن شعاع دسترسی مناسب و ظرفیت خدمات‌رسانی برای خدمات با توجه به مقیاس عملکردی آن‌ها در وسعت نواحی و مناطق شهری. – انجام پژوهش‌های متعدد در جهت تعیین اولویت‌ها در خصوص نیازهای نواحی شهری به خدمات عمومی شهری خصوصاً در نواحی و مناطق محروم. – تشکل شوراهای محلی در جهت شناخت بهتر از کمبودها و شناخت نقاط قوت، خصوصاً اعتمادسازی در بین ساکنان جهت مشارکت در برآورده نمودن تسهیلات در توزیع خدمات عمومی شهر در سطح نواحی ارومیه – اولویت دادن به توسعه محلات کمتر توسعه‌یافته با توجه به کمبود خدمات موردنیاز و کمبودهای اساسی به‌گونه‌ای که موجب تعادل منطقه‌ای گردد. – بازنگری در پیشنهادها و راهبردهای طرح‌های توسعه شهری خصوصاً طرح جامع ارومیه در قبال نواحی که کمتر از خدمات عمومی شهری برخوردارند – ایجاد مشوق‌ها و حمایت‌ها برای جذب سرمایه‌گذار در ایجاد کاربری‌های خدماتی به‌ویژه در مناطق محروم

[Downloaded from ijurm.imo.org.ir on 2026-06-10]

منابع

- الوندی پور، نینا و داداش پور، هاشم (۱۳۹۷)، فراروش پژوهش‌های مرتبط با عدالت فضایی در ایران با مقیاس شهری در بازه زمانی ۱۳۸۳-۱۳۹۴، دوفصلنامه پژوهش‌های بوم‌شناسی شهری، سال نهم، شماره ۲، ۶۹-۸۶.
- امان پور، سعید؛ ملکی، سعید و حسینی، نبی‌الله (۱۳۹۶)، تحلیل فضایی پراکنش جمعیت و توزیع خدمات در مناطق کلان‌شهر اهواز، مجله جغرافیا و آمایش شهری، سال هفتم، شماره ۲۲، ۵۵-۶۷.
- احمدی، محمد و شمسی‌پور، علی‌اکبر (۱۳۹۹)، تحلیل توزیع خدمات عمومی با رویکرد عدالت فضایی (مطالعهٔ موردی: شهر بجنورد)، مجله پژوهش‌های جغرافیای برنامه‌ریزی شهری، دوره ۸، شماره ۱، ۷۳-۹۸.
- اشمید، کریستین (۱۳۹۴)، نظریه تولید فضای هانری لوفور: به‌سوی دیالکتیک سه وجهی، ترجمه آیدین ترکمه، تهران: انتشارات تیسا.
- آلمندینگر، فیلیپ (۱۳۸۴)، به‌سوی گونه شناسی فرا اثبات گرایانه نظریه برنامه‌ریزی، ترجمه فاطمه تقی زاده، مجله برنامه‌وبودجه، شماره ۹۲، ۵۱-۷۷.
- پریزادی، طاهر؛ حسینی، فرشته و بهبودی مقدم، حسین (۱۳۹۵)، تحلیل نابرابری‌های فضایی توزیع خدمات شهری از منظر عدالت فضایی (مطالعه موردی: شهر مریوان)، مجله آمایش جغرافیایی فضا، دوره ۶، شماره ۲۱، ۹۱-۱۰۲.
- تراب زاده جهرمی، محمدصادق و سجادیه، علیرضا (۱۳۹۰)، گونه شناسی نظریات عدالت مبتنی بر ابعاد فلسفی؛ روشی در تبیین ماهیت مفهومی عدالت، دوفصلنامه مطالعات اقتصاد اسلامی، سال سوم، شماره ۲، ۵۹-۹۵.
- حیدری، جهانگیر (۱۳۹۵)، تحلیل توزیع فضایی کاربری‌های خدمات عمومی شهری در نواحی شهر بوشهر، مجله جغرافیا و توسعه ناحیه‌ای، دوره ۱۴، شماره ۲۷، ۱۲۹-۱۵۳.
- داداش پور، هاشم؛ علیزاده، بهرام و رستمی، فرامرز (۱۳۹۴)، جایگاه عدالت فضایی در نظام برنامه‌ریزی شهری ایران، نشریه راهبرد توسعه، شماره ۴۳، ۱۸۱-۲۰۵.
- داداش پور، هاشم؛ علیزاده، بهرام و رستمی، فرامرز (۱۳۹۴)، تبیین چارچوب مفهومی عدالت فضایی در برنامه‌ریزی شهری با محوریت مفهوم عدالت در مکتب اسلام، فصلنامه نقش‌جهان، دوره ۵، شماره ۱، ۸۴-۷۵.
- داداش پور، هاشم و الوندی پور، نینا (۱۳۹۶)، گونه شناسی مفهومی عدالت در نظریه‌های برنامه‌ریزی شهری در چارچوب رویکرد میان‌رشته‌ای، فصلنامه مطالعات میان‌رشته‌ای در علوم انسانی، دوره نهم، شماره ۲، ۱-۲۷.
- دیسکی، مصطفی (۱۳۹۲)، در جستجوی شهر عدالت محور: بحث‌هایی در نظریه و تجربه شهری، ترجمه هادی سعیدی رضوانی و محبوبه کشمیری، تهران: سازمان فرهنگی و هنری شهرداری تهران، موسسه نشر.
- زمانی، اکبر؛ علیزاده زنوزی، شاهین و غلامحسینی، رحیم (۱۳۹۷)، سنجش مناطق شهری بر اساس توزیع کاربری‌های خدمات شهری و اثرات آن در توزیع فضایی جمعیت (مطالعه موردی: مناطق شهر مرند)، فصلنامه آمایش محیط، دوره ۱۱، شماره ۴۳، ۱-۲۰.
- سعیدی رضوانی، هادی (۱۳۹۳)، گذری بر شهر عادلانه در نظریه‌های شهرسازی و آموزه‌های اسلامی، فصلنامه شهر پایدار، دوره ۱، شماره ۱، ۱۳۵-۱۶۳.
- سعیدی رضوانی، هادی و نوریان، فرشاد (۱۳۹۳)، شهرسازی عدالت محور؛ رهیافتی پیشرو در برنامه‌ریزی شهری، فصلنامه مطالعات شهری، دوره سوم، شماره ۱۲، ۴۷-۵۸.
- سن، آرماتیا (۱۳۹۰)، اندیشه عدالت. ترجمه وحید محمودی و هرمز همایون پور، تهران: انتشارات کندوکاو و کتاب روشن.
- شفیعی، محمود؛ آقایی طوق، مسلم و کریمیان، محمدوزین (۱۳۹۸)، تأثیر توانمندسازی شهروندان در کاهش فساد، فصلنامه رهیافت پیشگیری، دوره دوم، شماره ۲، ۶۳-۷۹.
- عزیزی، محمدمهدی و شکوهی بیدهندی، محمدصالح (۱۳۹۴)، تحلیل سیر تحول تاریخی مفهوم عدالت اجتماعی در برنامه‌های توسعه شهری ایران، سال پنجم، شماره ۲، ۱۲۵-۱۴۹.
- فتایی، مهری؛ سیدی، فرانک؛ فتایی، پریسا و کیانی، الهه (۱۳۹۳)، تأثیر برنامه‌های توانمندسازی با رویکرد اجتماع‌محور برافزایش سرمایه اجتماعی ساکنین شهر خرم‌آباد، فصلنامه مددکاری اجتماعی، سال سوم، شماره ۲، ۳-۱۱.
- کوشانه، روشن؛ عزت پناه، بختیار و موسوی، میرنجف (۱۳۹۸)، تحلیل پراکنش فضایی کاربری‌های خدمات عمومی شهری با استفاده از روش شاخص ویلیامسون (مطالعه موردی: تبریز)، فصلنامه نگرش‌های نو در جغرافیای انسانی، سال یازدهم، شماره ۴، ۲۰۵-۲۲۱.
- مبارکی، امید؛ زینالپور، امید و عبداله زاده، مهدی (۱۳۹۴)، تحلیل فضایی پراکنش خدمات و جمعیت براساس نظریه عدالت اجتماعی (مطالعه موردی نواحی هشت گانه شهر رشت)، فصلنامه جغرافیا و برنامه‌ریزی منطقه‌ای، دوره ۵، شماره ۱۸، ۱۰۹-۱۲۲.
- مریفیلد، اندی (۱۳۹۴)، هانری لوفور یک سوسیالیست در فضا، ترجمه محمود عبدالله زاده تهران: انتشارات دفتر پژوهش‌های فرهنگی.
- نوریان، فرشاد و سعیدی رضوانی، هادی (۱۳۹۱)، گونه شناسی آرای بنیادین معطوف به عدالت در شهر، فصلنامه ساخت شهر، شماره ۲۱، ۱۳-۲۴.
- Almohamad, H., Knaack, A. L., & Habib, B. M. (2018). Assessing spatial equity and accessibility of public green spaces in Aleppo City, Syria. Forests, 9(11), 706.
- Achmani, Y., Vries, W. T. D., Serrano, J., & Bonnefond, M. (2020). Determining Indicators Related to Land Management Interventions to Measure Spatial Inequalities in an Urban (Re) Development Process. Land, 9(11), 448.
- Bezerra, É. C. D., Santos, P. S. D., Lisbinski, F. C., & Dias, L. C. (2020). Spatial analysis of Brazil's COVID-19 response capacity: a proposal for a Healthcare Infrastructure Index. Ciencia & saude coletiva, 25, 4957-4967.

مدیریت شهری
فصلنامه علمی پژوهشی
مدیریت شهری و روستایی
شماره ۶۶. بهار ۱۴۰۱
Urban managment
No.66 Spring 2022

[Downloaded from ijurm.imo.org.ir on 2026-06-10]

- Dikeç, M. (2009). Space, politics and (in)justice. justice spatiale / Spatial justice, 01, pp.1-8. Retrieved 2017, from www.jssj.org
- Dikeç, M. (2001). Justice and the spatial imagination. Environment and planning A, 33(10), 1785-1805.
- De Jeude, M. V. L., Schütte, O., & Quesada, F. (2016). The vicious circle of social segregation and spatial fragmentation in Costa Rica's greater metropolitan area.Habitat International,54, 65-73.
- Dufaux, F., Gervais-Lambony, P., Lehman-Frisch, S., & Moreau, S. (2009). Birth announcement. Justice spatiale-Spatial justice, 1(1), 1-2.
- Fainstein, S. S. (2014). The just city. International journal of urban Sciences, 18(1), 1-18.
- Heckert, M., & Rosan, C. D. (2016). Developing a green infrastructure equity index to promote equity planning. Urban Forestry & Urban Greening, 19, 263-270.
- Harvey, D. (2010). Social justice and the city (Vol. 1). University of Georgia press.
- Lefebvre, H. (2009). State, space, world: Selected essays. U of Minnesota Press.
- La Rosa, D., Takatori, C., Shimizu, H., & Privitera, R. (2018). A planning framework to evaluate demands and preferences by different social groups for accessibility to urban greenspaces. Sustainable cities and society, 36, 346-362.
- Muigua, K., (۲۰۱۵). Empowering the Kenyan People through Alternative Dispute Resolution Mechanisms. In CIArb Africa Region Centenary Conference ۲۰۱۵.
- Mayaud, J. R., Tran, M., & Nuttall, R. (2019). An urban data framework for assessing equity in cities: Comparing accessibility to healthcare facilities in Cascadia. Computers, Environment and Urban Systems, 78, 101401.
- Manuel, Jennifer. (2016). Social and Spatial Justice: Grassroots Community Action, San Jose, CA, USA.
- Parry, J. A., Ganaie, S. A., Nengroo, Z. A., & Bhat, M. S. (2012). Spatial Analysis on the provision of Urban Amenities and their Deficiencies-A Case Study of Srinagar City, Jammu and Kashmir, India. Global Journal of Arts Humanities and Social Sciences, 6(2), 20-31.
- Reyes, M., Páez, A., & Morency, C. (2014). Walking accessibility to urban parks by children: A case study of Montreal. Landscape and Urban Planning, 125, 38-47.
- Soja, E. (2009). The city and spatial justice. Justice spatiale/Spatial justice, 1(1), 1-5.
- Soja, E.W. (2011). Spatializing justice, Part II. City, 15(1), 96-102.
- Soja, E.W; Dufaux, F; Gervais-Lambony, p; Buire, C; & Desbois, H. (2011). Spatial Justice and the Right to the City: An Interview with Edward Soja. Justice spatiale / Spatial Justice, 01, pp.1-8. Retrieved 2016, from www.jssj.org
- Weber, R., Tammi, I., Wang, S., & Anderson, T. (2016). A Spatial Analysis of City-Regions: Urban Form & Service Accessibility. Journal Nordregio Working Paper, 2, 1-49.
- Yuan, Y., Xu, J., & Wang, Z. (2017). Spatial equity measure on urban ecological space layout based on accessibility of socially vulnerable groups—A case study of Changting, China. Sustainability, 9(9), 1552.

[Downloaded from ijurm.imo.org.ir on 2026-06-10]